

استراتژی های ژئوپولیتیکی آمریکا و امنیت ملی ایران

دکتر حسین متفکر *

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور سازمان مرکزی تهران

(تاریخ دریافت: ۸۵/۱۰/۳۰ - تاریخ تصویب: ۸۶/۲/۱۰)

چکیده:

استراتژی های ژئوپولیتیکی بر امنیت ملی کشورها تأثیرگذار است. تحولات استراتژی های ژئوپولیتیکی آمریکا بعد از فروپاشی توازن ژئوپولیتیکی دوران جنگ سرد پیامدهای زیادی در صحنه جهانی و منطقه ای به خصوص خاورمیانه داشته است این تحولات باعث گردیده است که بحث های جدی در رابطه با امنیت ملی ایران مطرح شود به ویژه این که آمریکا در دوران بعد از جنگ سرد در پی قرار دادن خاورمیانه به عنوان مکمل ژئواستراتژی خود بوده و در جهت انطباق این منطقه ژئواکونومیک با مناطق ژئواستراتژی مورد نظر خود تلاش می نماید و در این راستا بدنبال ایجاد صلحی اجباری در مرزهای شمالی، شرقی، غربی و جنوبی هارتلند جدیدی که در حال شکل گیری است می باشد. این تغییر و تحولات باعث شده است این سؤال مطرح شود که بین تحولات استراتژی های ژئوپولیتیکی آمریکا و امنیت ملی ایران چه رابطه ای وجود دارد؟ راهبردهای مقابله با تهدیدات احتمالی امنیت ملی ایران کدام است این مقاله برای یافتن پاسخ به سؤالات مذکور تهیه و ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی:

ایران ژئوپولیتیک - عوامل ژئوپولیتیکی - توازن ژئوپولیتیکی - استراتژی های ژئوپولیتیکی آمریکا - امنیت ملی

مقدمه

با توجه به تحولات نظام بین‌المللی و به تبع آن تحولات ژئوپولیتیک در جهان و تاثیر آن بر استراتژی‌های ابر قدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ در مناطق مختلف و تاثیرات این استراتژی‌ها بر امنیت ملی کشورها (از جمله کشور ایران) بعد از جنگ جهانی دوم به خصوص بعد از فروپاشی شوروی و از بین رفتن نظام دو قطبی از نظام‌های فرضی آقای مورتون کاپلان و حاکم شدن دوران گذار در نظام بین‌الملل و از سوی دیگر تحولات عمیق تاثیرگذار بر روابط ژئوپولیتیک جهان از نظامی به اقتصادی و از اقتصادی به اطلاعات و انفورماتیک و گرایش انسانگرایی مجدد در ژئوپولیتیک‌های مطرح شده و تاثیرات اساسی آنها در امنیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دفاعی کشورها از جمله کشور ایران و تبیین جایگاه جمهوری اسلامی ایران در این تحولات ژئوپولیتیک و آشنایی با راهبردها و راهکارهای افزایش این جایگاه در تحولات بین‌الملل به منظور وصول به امنیت ملی بدون دغدغه خاطر از سوی دیگر و تعارضات اساسی بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا که ممکن است تهدیدی علیه منافع ملی ما مطرح شود و تدوین استراتژی‌های بهینه برای جمهوری اسلامی ایران در جهت کاهش تهدیدات استراتژی‌های ژئوپولیتیک آمریکا و تحولات آن از ضرورت‌ها و اهمیت این مقاله می‌باشد.

۱- بحث نظری و تبیین موضوع:

برای درک تاثیر ژئوپولیتیک آمریکا و تحولات آن بر امنیت ملی ایران به ابعاد به طور اختصار اشاره می‌شود.

- الف) از بعد ژئوپولیتیک
 ب) از بعد ژئواکونومیک
 ج) از بعد اقتصاد بین‌الملل
 د) از بعد تحولات تاریخی، ژئوپولیتیک آمریکا
 ه) از بعد سیاسی

الف) از بعد ژئوپلیتیکی :

در سیاست‌های جغرافیایی یا ژئوپولیتیک نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست ملل بررسی می‌شود (Dugin) نقش هر کشور در سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی فقط به تمایلات، افکار و عقاید اداره کنندگان سیاست خارجی آن دولت بستگی ندارد بلکه در ورای تظاهر رجال سیاسی و امیال و هوس‌های دولت‌ها و وزرای خارجی کشورها عوامل و وضعیت‌های خاصی وجود دارد که تاثیر عمیقی در سیاست خارجی هر کشور می‌گذارد. بدون تردید در طول تاریخ چه بسیار اتفاق افتاده که اولیای کشورها به این عوامل و نیروهای اساسی بی‌اعتنا بوده و این بی‌اعتنایی باعث زیان‌های زیادی شده است.» (عزتی، ژئوپلیتیک، ص ۶)

بدیهی است که برخورداری از قدرت در هر دوره‌ای نظم بین‌المللی را تامین می‌کند و همیشه قدرت‌های بزرگ از موقعیت برتر خود برای حفظ منافع خویش سود می‌برند اما این قدرت نمی‌تواند دائمی باشد. ژئوپولیتیسین‌ها معتقدند که قدرت به شدت متأثر از عوامل محیط جغرافیایی می‌باشد. بنابراین «در هر پدیده‌ی جغرافیایی به نوعی از روابط انسانی با آن پدیده برخورد می‌کنیم.» (Guttman, pp. 24, 28) عامل انسانی در سرنوشت سیاسی نقش اساسی داشته است و این عامل یعنی کارایی عامل انسانی باعث شده که مفهوم ژئوپولیتیک تنها بیان کننده رقابت استراتژی‌ها در ابعاد جهانی نبوده بلکه بیانگر مجموعه پیچیده‌ای از نیروهای متخاصم و متعددی باشد که در سرزمین‌های با ابعاد کوچک به کشمکش می‌پردازند و هدف آنان از این کشمکش‌ها یا اثبات تفوق سیاسی یا بیرون راندن رقبای سیاسی از صحنه سیاسی است که برخی مواقع این کشمکش با بازی حاصل جمع جبری صفر (zero-sum - Game) اتفاق می‌افتد که برد یک طرف مساوی باخت طرف دیگر می‌باشد و عوامل زیادی به دنبال این است که کشورها برای بازی حاصل جمع جبری غیرصفر (Non zero-sum - Game) که در آن بازی برد مساوی باخت نباشد روی آورند. مطالعه تاریخ ژئوپولیتیک برای تصمیم‌گیران می‌آموزد که بر چه مبنای اساسی باید تصمیم گرفت؟ و زمینه‌های این تصمیم‌سازی کدامند؟ و از چه عوامل و عناصری را می‌توان برای نیل به اهداف و

مقاصد بهره جست. توجه به اصول و مبانی ژئوپولیتیک می‌تواند برای تامین امنیت کشور گره‌گشا و عدم توجه به این واقعیت‌ها می‌تواند مصیبت بار گردد. (عزتی، ص ۴) اگر ما با نگرشی آکادمیکی به سیر تحولات استراتژیکی جهان بنگریم ملاحظه خواهیم کرد که دهه‌ی چهل میلادی را باید آغاز اتخاذ استراتژی ژئوپولیتیک ایالات متحده آمریکا بر اساس کانتینمنت (Containment) دانست، اما به‌طور قطع در این دوره ایالات متحده آمریکا به‌طور جدی با دیدی جهانی برای رسیدن به قدرت برتر نگاه کرد در حالی که در دهه‌های قبل اساس این استراتژی به ظاهر بر قاره آمریکا متکی بود، گرچه زمینه‌های ظهور آن کشور به میزان یک قدرت بزرگ جهان قبلاً فراهم شده بود.

از آنجایی که پیشوند «ژئو» در مفاهیم ژئوپولیتیک به معنای تحلیل فضایی است لذا در دهه‌ی پنجاه تکیه سیاست آمریکا بر ژئوپولیتیک اوراسیا قرار گرفت و در این مقطع زمانی هدف ژئوپولیتیک این کشور اجباراً بر محور برنامه یا وسیله ژئواستراتژیک بنا گردید. به همین سبب در دهه‌ی پنجاه جهان شاهد اوج‌گیری انعقاد پیمان‌های نظامی از جمله پیمان‌های سیتو، ستو و ناتو بود که بیشتر در پیرامون اوراسیا شکل گرفته بود و هرگاه کشورهای واقع در ریملند (Rimland Spykman, pp. 216-218) یا حاشیه‌ی اوراسیا از اردوگاه یک قدرت میل به چرخش به سمت اردوگاه دیگر می‌کرد، شاهد جنگ و درگیری و بروز بحران بودیم. جنگ کره، ویتنام و حرکاتی از این قبیل نمونه بارز چنین اهداف ژئوپولیتیک بود.

با توجه به تحولات ژئوپولیتیک از خشکی به دریا، از دریا به فضا و جابجایی ژئوپولیتیک از اروپا به آمریکا و رشد سریع نقش آمریکا در سیاست بین‌الملل در طول ۷۰ سال اخیر، انگیزه برای مطالعات ژئوپولیتیک در این کشور را فراهم ساخت.

(Http://www.E-socola.Or/Geopolitical/Extender.Htm/)

جغرافیدانان آمریکایی با تهیه نقشه‌هایی بر اساس سیستم آزیموتال، پیوستگی آمریکا به اروپا و آسیا و ارتباط نزدیکی بین آمریکا و سواحل اروپا و شرق را نشان دادند تهیه چنین نقشه‌هایی توجه آمریکائیان به شمال، غرب و شرق به خصوص به سرزمین‌های قطب شمال جلب کرد.

در اوایل دهه ۱۹۴۰ توجه آمریکا به اوراسیا و وابستگی ژئوپولیتیکی بین دو طرف اقیانوس اطلس موجب پیوستگی‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی بین آمریکا و مناطق دیگر گردید. شروع جنگ جهانی دوم و تجربه تلخی که آلمان و ژاپن در عدم امنیت مرزهایشان به دست آوردند فرصت خوبی برای ایالات متحده به وجود آورد تا با کمک متفقین، در غرب و شرق جهان، موقعیت ژئوپولیتیکی خود را تثبیت کند.

آمریکا در تحولات ژئوپولیتیکی جهانی خود به دلایل موقعیت ژئوپولیتیکی، استراتژیکی، پلی اکونومیکی خاورمیانه و ارتباط آن با موقعیت ژئوپولیتیکی جهان اسلام، اهمیت خاصی را به خاورمیانه قائل شده و سعی می‌نماید این منطقه را مکمل ژئوپولیتیک خود بسازد. بر این اساس تک‌تک کشورهای مؤثر در منطقه از جمله ایران می‌تواند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شود. (عزتی، ژئوپلیتیک، ص ۵۰)

تحولات ژئوپولیتیکی در نظام بین‌الملل باعث شد که ایران بعد از جنگ جهانی دوم به‌طور قطعی در گردونه امنیتی غرب به خصوص آمریکا قرار گیرد و امنیت ایران نیز با امنیت غرب به خصوص آمریکا تعریف شود. با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تحولات نظام بین‌الملل بعد از نظام دوقطبی باید امنیت ایران را از نو تعریف نمود و متغیرهای تاثیرگذار بر این امنیت باید مورد کنکاش مجدد قرار گیرد.

منطق ژئوپولیتیک بر این امر تاکید دارد که «قدرت ملی» و «کنترل ارضی» را می‌توان

به عنوان هسته مرکزی ژئوپولیتیک تلقی نمود

[HTTP://WWW. Seab. Com/Community/x c Drive View in cat. Asp2 ID=29-24k](http://www.seab.com/community/x/c/DriveViewInCat.aspx?ID=29-24k)

به همین جهت پیوند قابل توجهی بین نظریه رئالیسم در روابط بین‌الملل و ژئوپولیتیک برقرار شد. بر اساس چنین نظریه‌ای واحدهای سیاسی که بیش از دیگران می‌توانستند توانایی‌های خود را در مناطق وسیع‌تری اعمال کنند. به عنوان محور بازیگران مسلط در نظام بین‌الملل محسوب گردیدند.

بر این اساس، منطق رفتار ژئوپولیتیکی آمریکا به تدریج دگرگون شد و به هر میزان که «قدرت ملی» آن کشور افزایش می‌یافت، زمینه‌های محیطی و بین‌المللی فراگیرتری برای ایفای نقش بین‌الملل آمریکا مهیا گردید. به مرور زمان در نظریه‌های جدید

ژئوپولیتیک‌ی ارتباط بین دو متغیر قدرت و میزان فاصله از ناحیه مرکزی پیوند برقرار شد. بر اساس این نظریات بین قدرت و میزان فاصله از ناحیه مرکزی آن قدرت، رابطه معکوسی وجود دارد. مفهوم تئوری ژئوپولیتیک‌ی یاد شده این است که میزان مجادلات در ناحیه مرکزی قدرت‌ها بیشتر از سایر مناطق است. بر این مبنا کشورهای قدرتمند از مراکز خود قدم فراتر گذاشته و با توانمندی‌های ابزاری و کارکردی خود، مناطق نفوذ سایر واحدها را به محاصره در می‌آورند.

از مقطع زمانی است که، رابطه جغرافیایی و قدرت، مفهوم ژئوپولیتیک را تبیین نمود ژئوپلیتیسن‌های آمریکایی مولفه «قدرت»، «فاصله جغرافیایی» و «ابزارهای ارتباطی» را با یکدیگر ترکیب کردند. این ترکیب چون اثر شگرفی در افزایش قدرت‌های جهانی ایفا کرد جایگزین نظریه ژئوپولیتیک‌ی اوراسیای مکیندر و ریملند اسپایکمن گردید. (Dugin, p. 105)

از اواخر دهه ۱۹۵۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی جهان با یک دوران تعادل قوا به رهبری ایالات متحده آمریکا و شوروی مواجه بوده است. در سال‌های یاد شده همچنین شاهد جلوه‌هایی از تنش‌زدایی در ساختار نظام دوقطبی می‌باشیم، به عبارت دیگر در این سال‌ها نظام قطبی تداوم می‌یابد، اما شکل‌بندی روابط بین قدرت‌های بزرگ تغییر می‌کند.

هم‌اکنون ژئواستراتژی آمریکا، دیگر کمونیسم را به عنوان دشمن استراتژیک نمی‌داند، بلکه هدفش استقرار صلحی اجباری در قلمروهای ژئوپولیتیک جدید است. آن چه که از مفهوم جمله فوق استفاده می‌شود بیانگر پایان دوران تعارض آمریکا با بلوک شرق و کمونیسم است. این امر بر اساس واقعیت‌های عینی فروپاشی اتحاد شوروی در حال تبدیل شدن به مفروض است. از آنجایی که موضوعات تغییرات جهانی به ۵ گروه یا حوزه: ژئوپولیتیک^۴، ژئواکونومیک^۵، ژئواستراتژی^۶، ژئوسوشیال^۷،

4 - Geopolitics

5 - Geo Economics

6 - Geostrategy

7 - Geosocial

ژئواینواپرنمنت^۸ تقسیم می‌گردد. (Bingham) مسئله حائز اهمیت این است که از اواخر دهه‌ی پنجاه میلادی تا اواخر دهه‌ی هفتاد میلادی جهان با یک دوران تعادل قوا به رهبری ایالات متحده آمریکا و شوروی مواجه بود و در این راستا جهان به یازده منطقه ژئوپلیتیکی تقسیم گردیده بود که هشت منطقه در حال ثبات نسبی بودند و یک منطقه به ظاهر مستقل و دو منطقه که عبارت از جنوب شرق و جنوب غرب آسیا بود در کمربند شکننده (عزتی، ۱۳۸۱، ص ۳-۵) قرار داشتند. از ویژگی‌های این دو منطقه این است که بحران به سرعت بروز می‌کند و به همان سرعت و شتاب هم از بین می‌رود بدون آنکه تغییر و تحول خاصی رخ دهد، در نتیجه ژئوپولیتیک این منطقه همیشه تحت تاثیر این ویژگی‌ها قرار دارد.

در دوران جنگ سرد محور تعادل ساختار نظام ژئوپولیتیک جهان بر محور خاورمیانه قرار داشت و در حقیقت ایران تکیه‌گاه، استراتژی بحری (اروپایی) آمریکا در خاورمیانه بود. از تبعات این امتیاز ژئوپولیتیک ثبات و امنیت و در نتیجه بالا رفتن تصاعدی قیمت نفت و شوک‌های نفتی بود این عوامل باعث آستن شدن منطقه برای حوادث بعدی شد، بحران‌هایی که در اثر افزایش بهای نفت در دهه ۸۰ رخ داد سر انجام خود پدیده‌های گوناگونی را موجب شد که تجمع و تراکم آن‌ها موجب به بن‌بست رسیدن استراتژی‌های ژئوپولیتیک قدرت‌های جهانی گردید و این تحول منجر به فرو ریختن دیوار برلن و فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد و آغاز صلح سرد یا سرد اجباری گردید.

در نتیجه این تحولات جهان شاهد این است که نقشه جدیدی در جهان در حال طرح‌ریزی است (www.Robart.Yorkuca/PDF/Perish.PDF) که معیارهایش با گذشته به کلی متفاوت است. از جمله اینکه مرزهای قلمروهای استراتژیکی جهان به سرعت در حال تغییر و تحول است کما اینکه منطقه جدیدی با مفهومی جدید مطرح است که خاورمیانه سنتی را در بر گرفته و مرزهایش از شمال به آسیای مرکزی و قفقاز از مشرق تا مرزهای شرقی افغانستان و پاکستان، از مغرب تا مرزهای غربی مصر و سودان و شاخ

آفریقا و از جنوب تا دریای عربی و دریای عمان را پوشش می‌دهد و به نظر می‌رسد که واژه خاور نزدیک بزرگ، مفهومی کاربردی برای این منطقه مطرح شود و در این نقشه صلح کشور جمهوری اسلامی ایران احتمالاً بیش از همه کشورها مرزهایش دچار تغییر و تحول گردیده و موقعیت بسیار حساس‌تری از دوران جنگ سرد را بدست آورده است. (عزتی، ۱۳۸۱، ص ۷)

ب) از بعد ژئواکونومیک

امروزه تحولاتی که در مفهوم ژئوپولیتیک سنتی به وجود آمده است مرزهای ژئوپولیتیک در حال انطباق با مرزهای ژئواستراتژی می‌باشد. (modern Geopolitics Theories and schools: "geopolitics of yoke Attali" part 2 chapter 3, 3.5.p.89) بر این اساس است که ژئوپولیتیک آمریکا نیز نمی‌تواند از این اصل مسلم جدا فرض شود، باشد، همین تغییر و تحول در مفهوم ژئوپولیتیک، ایالات متحده آمریکا را واداشته است که به دنبال تدوین استراتژی ژئوپولیتیکی نوین برای جوابگویی اهداف این کشور در قرن ۲۱ باشد.

با نگرش این نظریات استراتژیست‌های معروف آمریکا در سال‌های اخیراً به طور صریح و به اتفاق آرا نظر داده اند که ایالات متحده آمریکا بتواند نفوذ خود را در حوزه خاور نزدیک به ویژه به کشورهای کلیدی منطقه از جمله ایران، عربستان، عراق و بحرین گسترش دهد. (Z.B. Chen Board 1999)

جمهوری اسلامی ایران با نگرش به ابعاد ژئواکونومیکی و گسترش مرزهای تمدنی خود در متن ژئوپولیتیک جدید آمریکا قرار خواهد داشت و ژئوپولیتیک جدید آمریکا به ژئواکونومی (به ویژه انرژی) و نظارت و دخالت در مرزهای شمالی و جنوبی خاور نزدیک بزرگ در حال شکل‌گیری است.

Marco economic indicators: feb4) این کشور در www.seller.net/hicomind/eco روند تحولات اخیر افغانستان و عراق در حوزه ژئوپولیتیکی آسیای جنوب غربی و

آسیای مرکزی از روش‌های نظامی، اطلاعاتی و امنیتی استفاده کرد این روند طبعاً در سال‌های آینده تداوم خواهد یافت. بدست آوردن فرمول بازی توسط ایران می‌تواند در دوران تعامل و صلح سرد بالاترین میزان امنیت فراگیر را برای کشور فراهم سازد. (عزتی، ص ۵۴)

ج) از بعد اقتصاد بین الملل:

در سال‌های پایانی قرن بیستم زمینه‌های موفقیت و قدرت‌یابی دوباره‌ی بازار جهانی و قوانین حاکم بر آن در مقابل دولت‌ها و حاکمیت تمام عیار آن بر اقتصاد در یک مبارزه‌ی طولانی و تاریخی خصوصاً به‌عنوان بزرگترین و اساسی‌ترین تحول ساختاری در تفکر سیاسی، اقتصادی و نظام اقتصاد سیاسی بین الملل بود. (Geo-economic strategy: Google research "Geo-economic": www. World capital forum. Com/ geo.es strata.htm)

در حال حاضر، سیاستمداران با گرایش چپ به روشنی می‌پذیرند که دیگر حکومت‌هایشان توانایی حفظ و نگهداری یک دولت رفاه اجتماعی پرخرج (The expansive welfar) را ندارند. این تحول عظیم نشانگر قدرت‌یابی دوباره‌ی بازار و قوانین حاکم بر آن در مقابل اقتدار و استقلال دولت است.

امروزه از فضایی که در آن دولت‌ها، حکومت‌های ملی، حاکم و مقتدر اصلی بودند و کنترل‌های جدی و قانونی بر اقتصاد ملی خود وارد می‌کردند به وضعیتی رسیدیم که در آن افکار رقابت آزاد اقتصادی، آزادسازی و بازگشایی اقتصادی، خصوصی‌سازی و عدم تلاش در جهت تنظیم بازار از بالا (deregulation) بر تمامی اندیشه‌های اقتصاد جهانی در تمامی کشورهای مسلط گردید است. نتایج و عواقب ژئوپولیتیک این تغییر و تحول بنیادین در روابط میان دولت‌ها و بازارهای جهانی حاکی از تحول و افزایش نقش ژئواکونومیک و پلی ژئواکونومی می‌باشد.

به دنبال رشد و گسترش تحولات ژئوپولیتیک انرژی، دولت‌ها حوزه‌ی فعالیت‌های خود را خصوصاً در عرصه‌ی اقتصادی محدودتر می‌کنند و به بیانی دیگر، دولت‌ها روز

به روز در حال کوچکتر شدن و محدودتر شدن می باشند، به مانند اینکه در حال خصوصی شدن هستند و این حراج فروش فوق العاده‌ی دولت در مقابل اقتدار و حاکمیت گسترده‌ی ژئوپولیتیک در طول تاریخ است.

در واقع، جهانی شدن واقعیت جدیدی است که در حال شکوفا شدن و روی دادن است. اما به نظر می‌رسد، این واقعیت یک پروژه (project) نیست بلکه مجموع فرآیند (process) و وضعیت (Condition) است. یک نوع جهان‌گرایی اقتصادی جهانی که در آن مرزهای قدیمی و رسمی در حال تغییر و فروپاشی هستند.

[Http://www.iaed.org/global.strg.htm.taed:global.Economicstrategy](http://www.iaed.org/global.strg.htm.taed:global.Economicstrategy)

فروپاشی شوروی و دنیای کمونیسم، نقشه‌ی جغرافیایی سیاسی ایدئولوژی‌هایی را که زمانی دنیا را به تصاحب در آورده بودند تغییر داده است و جهان شاهد رشد بازارهای سرمایه، کاهش مداوم موانع تجارت و سرمایه‌گذاری، روز به روز بازارها (خصوصاً بازارهای ملی) را به همدیگر اتصال می‌بخشد و این امر زمینه‌ی جریان آزاد اندیشه و تفکر، ظهور بازارهای جدید و فراگیر، پویایی و موقعیت‌های مناسبی را در یک مقیاس گسترده و همگانی برای اقتصاد بین‌الملل فراهم کرده است.

در یک جمله، رویداد جهانی شدن، را به عنوان علت اصلی تمامی تحولات تغییرات در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل معاصر و از جمله‌ی تنازعات میان دولت و بازار و گسترش حوزه‌ی اقتدار و کارکرد بازار به هزینه‌ی محدودتر شدن دولت معرفی می‌گردد.

دولت در روند توسعه و نوسازی ملی و بین‌المللی، بر مبنای بین‌المللی شدن دولت و اقتصاد (internationalization of state and economy) رشد و گسترش جهانی شدن نفوذ خود را به نفع گسترش اقتدار و حوزه‌ی عمل ژئوپولیتیک انرژی محدود کرده است.

سیستم ژئوپولیتیک بین‌الملل تاکنون شاهد تحولات ساختاری عمده و گسترده‌ای بوده است. در این راستا، گرایش‌ات عمده مربوط به منطقه‌ای شدن (Regionalization) بخشی از روابط اقتصادی و تجاری جهانی و نیز مقاومت نیروهای اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای

در مقابل شرکت‌های چندملیتی که اساساً به سوی جهانی شدن (Globalization) اقتصاد رهنمون می‌شوند از تغییرات اساسی محسوب می‌شوند.

a- [www. proc. Gov pk/ news oct. htm](http://www.proc.gov.pk/news/oct.htm): - globalization – geo economics world order.

b- Alexander von Humboldt lecture, 9 November, university of . . .

- [www. Kun. NL / socgeo/n/colloquium/ paasi2 PDF](http://www.kun.nl/socgeo/n/colloquium/paasi2.pdf)

سیر تحولات ژئوپولیتیک، تغییرات قدرت و جایگاه برتر و هژمونیک ایالات متحده

آمریکا در ژئوپولیتیک جهانی، ظهور دیگر قدرت‌های جدید و بزرگ در سطح

a. starfar-putin bringing - بین‌المللی در چارچوب روند ژئوپولیتیک منطقه‌ای کردن

Russia under control:" Agenda. Stand and intelligence geopolitics- geosecurity- geo-economic flash..." -google research: [www. Cpol. Htm](http://www.cpol.htm).

- b.Mage.geog. McAlester. Educe/ AP geog demo/ clop. Htm/.

و نیز ژئوپولیتیک جهانی شدن (Globalization) باعث به وجود آمدن مفهوم و ایده‌ی

چندجانبه شده است. (Ibid)

د) از نظر تحولات تاریخی - ژئوپولیتیک آمریکا:

مونروئه با اعلام دکترین خود «آمریکا برای آمریکاییان» سعی در بیرون کردن استعمارگران اروپایی از نیمکره‌ی غربی، سلطه و استعمار خود را به قاره‌ی پهناور آمریکا کامل نمود. در اوایل قرن بیستم سیاست آمریکا تغییر بنیادی پیدا کرد و با اعلام سیاست درهای باز دولت آمریکا تصمیم خود را به توسعه‌ی نفوذ و گسترش ژئوپولیتیک خود در جهان را برای دولت‌های استعمارگر آن زمان اعلام نمود. جنگ جهانی اول و ورود آمریکا در جنگ به حمایت از دولت‌های متحد علیه دول محور و پیروزی نهایی متحدین و شکست آلمان - عثمانی و ژاپن زمینه‌ی مناسبی برای دولت آمریکا فراهم نمود و آمریکا با بهره‌گیری از شعارها و تبلیغات گسترده و اعلام آرمانگرایی انسان دوستانه در راستای دموکراسی و حقوق بشر تا اندازه‌ای چهره‌ی مثبتی در نزد افکار عمومی جهان کسب نموده، علاوه بر دو عامل فوق با اعلام بیانیه چهارده ماده‌ای ویلسون رئیس جمهور آمریکا در کنفرانس صلح ورسای زمینه‌ی هژمونی جهانی خود را فراهم نمود.

عدم کارایی جامعه‌ی ملل وجود زمینه‌های جنگ جهانی در معاهده ورسای، مماشات انگلستان و توسعه‌طلبی آلمان منجر به جنگ جهانی دوم گردید، درخواست متفقین به ویژه انگلستان براساس قرارداد محرمانه از آمریکا و حمله‌ی هوایی ژاپن به بندر پرل هاربور موجب ورود آمریکا به صحنه‌ی جنگ گردید.

روزولت در دوران جنگ در کنفرانس تهران و کنفرانس‌های دیگر طرحی را برای اداره‌ی جهان بعد از پایان جنگ ارائه داد که این طرح جامعه‌ی جهانی را به عنوان یک خانواده تلقی می‌نمود که از نعمت پدر و مادر محروم هستند در نتیجه رسالت اداره‌ی چنین خانواده‌ای بر عهده‌ی برادران بزرگتر خواهد بود. برادران بزرگتر حق دارند برادران کوچکتر را که نظام خانواده را مورد تعرض قرار می‌دهند تنبیه نموده و به جای خود بنشانند. با در نظر گرفتن ضعف‌های ساختاری اقتصادی - محتوایی و سیاسی و حقوقی جامعه ملل منشور آتلانتیک مبنای تشکیل سازمان ملل گردید و حق تنبیه را به ۵ عضو بزرگتر به عنوان حق وتو داد. در چند دهه گذشته عملکرد کشورهای دارای حق وتو در شورای امنیت نشان داد تصمیمات آمریکا می‌تواند در امنیت ملی جمهوری اسلامی مؤثر واقع شود.

ه) از بعد نظام بین الملل:

بعد از جنگ جهانی دوم توانمندی‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی آمریکا باعث نفوذ بیش از پیش آمریکا در صحنه‌ی جهانی گردید و دو قدرت هم صف (متحد) در جنگ جهانی با کشف سلاح‌های هسته‌ای نظام دوقطبی را در صحنه‌ی بین‌الملل پایه‌گذاری نمودند و هر کدام اقمار و طرفدارن خود را در ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی علیه طرف مقابل متحد نمودند و این امر منجر به بوجود آمدن ناتو، ورشو، و ساختارهای دیگر در نظام بین‌الملل گردید. این نظام دوقطبی در موارد مختلف به حالت متصلب و برخی از اوقات دوقطبی منعطف را به نمایش گذاشت.

پایان جنگ سرد تحول عظیمی را در صحنه‌ی روابط بین‌الملل در موارد زیر به وجود آورد: جابجایی قدرت، برهم خوردن تعادل قوا، تحول در ماهیت قدرت، افزایش نفوذ دیپلماتیکی، پیچیده شدن اوضاع بین‌المللی، به‌کارگیری روش‌های نوین در اعمال سیاست خارجی، وابستگی متقابل، پیشرفت سریع تکنولوژی ارتباطات، تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و عدم امکان مهار جدی آن، کاهش منابع انرژی و ذخائر آن، آلودگی محیط زیست، کاهش کارایی حقوق بین‌الملل و سازمان ملل و هماهنگی سیاست‌های آن با کانون‌های قدرت جهانی، افزایش شکاف شمال و جنوب، تحول اساسی و عمده در مفهوم امنیت ملی و منافع ملی و گسترش مفهومی آن در فراسوی مرزهای جغرافیایی، مطرح شدن نظام نوین جهانی توسط جورج بوش در سال ۱۹۹۱، ارائه نظریه جهانی‌سازی توسط آنتونی کیدنر، نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها توسط هانتینگتون و نظریه پایان تاریخ و پیروزی سوسیال دموکراسی توسط فوکو یاما بعد از شکست کمونیسم.

متعاقب این تحولات، آمریکا به دنبال ایجاد نظام سلسله مراتبی^۱ در جهان بوده و ایجاد چنین نظام جهانی که سیادت ژئوپلیتیکی آمریکا را تضمین و امنیت و منافع امنیت جهانی آن کشور گسترش می‌دهد و کشورهای هم پیمان آمریکا را جزوه محدوده امنیت ملی آمریکا محسوب کرده و مخالفان آن کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

(و) از بعد سیاسی :

ضربه‌پذیری ایالات متحده توسط تروریسم مدرن - همکاری‌های اولیه و عدم استمرار همکاری‌های کشورهای جهان با آمریکا، اعلام جنگ ناپایان علیه تروریسم و حامیان آنها، اقدامات بعد از آن در جهان و ایجاد دشمنان واقعی یا فرضی برای استمرار سیاست‌های آمریکا در صحنه بین‌الملل، بهره‌برداری سیاستمداران آمریکا از وقایع ۱۱

۱- برای مطالعه بیشتر ویژگی‌های این نظام رک به:

سیف‌زاده. حسین. «نظریات مختلف در روابط بین‌الملل» تهران، (نشر سفیر ۱۳۶۸) ص ۷۳

سپتامبر، رشد اسلامگرایی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، عدم توانمندی آمریکا در مذاکرات صلح خاورمیانه، کاهش نفوذ سیاسی آمریکا در جهان و ایجاد نظام پلیسی و امنیتی در داخل آمریکا، همه این تحولات باعث شده است^۲ که دو دیدگاه مختلف در رابطه با آمریکا مطرح شود یکی از این نظرات معتقد است: آمریکا در روند تحولات ژئوپولیتیک خود سیر صعودی دارد و دیدگاه دیگر معتقد است که آمریکا روند نزولی ژئوپولیتیک در ابعاد مختلف را تجربه می‌نماید.

یکی از عوامل مهمی که در امنیت ملی کشورها و تهدیدات آن تأثیرگذار است ژئوپولیتیک کشورهای تأثیرگذار مهم در نظام بین‌الملل می‌باشد و در این راستا بعد از حملات ۱۱ سپتامبر تحول عمده‌ای در ژئوپولیتیک آمریکا به وجود آمده است که می‌تواند بر امنیت ملی ایران تأثیر گذار باشد.

موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی در بین عوامل ثابت و انسان و نظام بین‌الملل و شرایط متغیر جهانی و در بین عوامل متغیر نقش دو قطب‌های اصلی را در کدهای ژئوپولیتیک ایفا می‌نمایند. و همچنین از عوامل بسیار مهمی که در استراتژی‌ها و ژئوپولیتیک تأثیر گذار است. (<http://www.Arctogaia.com/public/geopeng.htm>) ابرقدرت‌ها در رابطه با منابع انرژی اعم از نفت و گاز و... می‌باشد. از آنجایی که آمریکا سعی دارد سیاست‌های تولید و مصرف آن را در اختیار بگیرد ([Http://cbg.uvt.ro/courses](http://cbg.uvt.ro/courses)) این سوال اساسی مطرح می‌شود که تحولات استراتژی-های ژئوپولیتیک آمریکا چه تاثیری در امنیت ملی ایران دارد آیا این تاثیرات در جهت تقویت امنیت ملی ایران است یا در جهت تضعیف و تهدید آن.

۲- گستره بحث و بررسی

ژئوپولیتیک عبارت از تعامل بین جغرافیا، سیاست و قدرت و تحلیل فضای حیاتی، محیطی و انسانی، است در عصر کنونی نسبت به تمامی پدیده‌های مؤثر که نسبت به

۲- برای مطالعه بیشتر رک شود به «مجموعه بیانات، سخنرانی های بوش- رایس دیک چنی ...» در سایت زیر :

مقتضیات زمان و شرایط خاص دولت‌ها و ملت‌ها که در تدوین استراتژی‌های آن‌ها نقش دارد بی‌تفاوت نیست، قدرت‌های بزرگ به منظور اکتساب بیشترین منافع و بهره‌وری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی تمامی عوامل و عناصر تأثیرگذار را مد نظر قرار می‌دهند. ژئوپولیتیک از عوامل و عناصر کلیدی نظیر عوامل جغرافیایی، قدرت و سیاست تشکیل گردیده که همواره در فرآیند تصمیم‌گیری‌های زمامداران دولت‌ها و کشورها نقش حساس و حیاتی بر نخبگان، ژئوپولیتسین‌ها و استراتژیست‌ها و زمامداران دولت‌ها سنجش تأثیرات متقابل عناصر متشکله ژئوپولیتیک و روند تغییر و تحولات عمده جهانی امری ضروری و اجتناب ناپذیر می‌باشد هرگونه توفیق یا عدم آن در پیشبرد اهداف بستگی تام به ارزشیابی کامل این عوامل و عناصر در اندیشه و عمل داشته و این امر با فرهنگ، معارف، ایدئولوژی، اندیشه‌های اصولی حاکم بر تصمیم‌گیرندگان سیاسی و ملت‌ها ارتباط تنگاتنگ دارد.

ژئوپولیتیک و تحولات آن که می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم امنیت ملی و مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن را در کشور مقابل تحت تأثیر قرار دهد. به دو گروه عمده، عوامل ثابت (موقعیت جغرافیایی، فضا و تقسیمات آن؛ وسعت و شکل کشور، وضعیت توپوگرافی) و عوامل متغیر (جمعیت و انسان، منابع طبیعی و انرژی - نهادهای سیاسی و اجتماعی، نهادهای دفاعی و امنیتی ویژگی‌های نظام بین‌الملل، استراتژی‌های جهانی ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ، استراتژی‌های ژئوپولیتیک ابرقدرت‌ها، نخبگان و گروه‌های ذینفوذ و رسانه‌های گروهی و ...) تقسیم می‌شوند که از بین همه این عوامل، تمامی پدیده‌های طبیعی در یک قطب و انسان دارای مهارت‌های ذهنی و عینی در قطب دیگر قرار می‌گیرد و این انسان با در نظر گرفتن همه عوامل مذکور می‌تواند بحران‌ها را مدیریت نموده و تهدیدات امنیتی را با بازی‌های مناسب بخوبی پشت سر گذاشته و جایگاه و موقعیت ژئوپولیتیک کشور را در صحنه‌های مختلف افزایش دهد. رفتار بین‌المللی کشورها ایفا می‌نمایند. به سه منطقه جنگ، حساس، فرار تقسیم می‌گردند و بر اساس دخالت قدرت‌ها در آن مناطق می‌توان وضعیت پیش‌آمده در روابط بین کشورها را پیش‌بینی نمود. (میرحیدر، دره، دوره‌ی اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، ۱۳۵۷، ص ۴۶-۱۳)

مسئله اساسی که در تجزیه و تحلیل عوامل ژئوپولیتیکی تأثیر گذار بر امنیت ملی کشور مقابل باید مورد توجه قرار گیرد این است که مطالعات اکتشافی بیان می‌کند: اگر دو کشور هم‌جوار باشند ژئوپولیتیکی در منافع، اهداف، سیاست‌ها و استراتژی‌های ژئوپولیتیکی همان کشور تأثیر گذاشته و استراتژی‌های ژئوپولیتیکی آن قدرت در امنیت کشور مقابل تأثیر گذار خواهد بود.

این عوامل ژئوپولیتیکی عبارت اند از:

۱- دیدگاه‌های مختلف ژئواستراتژیکی توسط صاحب‌نظران و سیاستمداران و

نخبگان

۲- ژئواکونومیک و هسته اصلی آن یعنی منابع عظیم انرژی بخصوص نفت

۳- قدرت بری، بحری و هوایی برتر کشور قدرتمند

۴- دیدگاه‌های تمدنی و برخورد آن‌ها

۵- نظام بین‌المللی حاکم بر جهان

۶- حقوق بشر و قوانین مرتبط با آن

۷- دموکراسی و تفاهم یا چالش‌های آن

۸- تروریسم و شیوه‌های مبارزه با آن و نگرش‌های مختلف موجود

۹- جهانی‌سازی و ابعاد مختلف

۱۰- نگرش‌های ژئوپولیتیکی جدید (ثئوری جهان چهارم)

۱۱- سیستم اطلاعات و مدیریت آن و تحولات ارتباطات

۱۲- سیستم حکومتی بین‌المللی و میزان اتکاء آن بر مردم و انسجام داخلی ...

۱۳- نیازمندی‌های اساسی داخلی یک کشور به خارج به خصوص در منابع

سطحی و زیرسطحی. (متفکر، ۱۳۸۳، ص ۲۰۶)

مهمترین عوامل تعیین کننده در استراتژی‌های ژئوپولیتیکی آمریکا در دوران جنگ سرد، حفظ و مراقبت از امنیت منافع سیاسی و اقتصادی غرب در منطقه در برابر گسترش نفوذ شوروی و رژیم‌های مخالف آمریکا و کمک به استمرار جریان نفت به سوی غرب بود. موافقت با فروش هرگونه جنگ افزار از سوی آمریکا به ایران، دادن

نقش امنیتی و ژاندارمری خلیج فارس، تکیه بر ایران به عنوان یکی از ستونهای امنیتی در منطقه خلیج فارس در دهه‌های ۱۳۴۰/۱۹۶۰ و ۱۳۵۰/۱۹۷۰ و توجه به ایران به عنوان منبع تامین نفت و بازارهای مصرف کالاها و واردات جنگ‌افزارهای آمریکایی نشانگر این اهمیت بود.

با وجود برخی فرازونشیب‌ها در تلقی رهبران آمریکا از اهمیت ایران و قطع نظر از رژیم حاکم در ایران، اهمیت جایگاه ایران درحوزه‌های مختلف برای آمریکا و غرب به اندازه‌ای بوده که غرب نتوانسته است این کشور را در محاسبات خود نادیده انگارد. هرچند ایران در گذشته به‌عنوان یکی از دولت‌های دوست و متحد آمریکا حافظ منافع غرب و آمریکا در منطقه بود و در فضای دوران جنگ سرد بعنوان مانع گسترش نفوذ شوروی برای غرب اهمیت استراتژیک داشت، از این آمریکا تمام تلاش‌های خود را برای حفظ متحد خود یعنی شاه بر قدرت بکار گرفت به‌رغم پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا به دلیل ارزش حیاتی ایران ناچار بود هرگروه مخالف شوروی را که در ایران بر سر کار آید بپذیرد تا ثبات در ایران برقرار شود و استقلال آن حفظ گردد از این‌رو با وجود نگرش ضدآمریکایی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، آن کشور قصد خود را برای ادامه روابط با ایران اعلام نمود.

طرح جنگ ستارگان توسط ریگان با هدف کشاندن شوروی به مسابقه تسلیحاتی و تحلیل بردن قدرت اقتصادی شوروی آن کشور همراه با درگیر نمودن آن در بحران‌های منطقه‌ای آمریکا از تهاجم شوروی به افغانستان در راستای برنامه خود برای ایجاد یک جنگ فرسایشی و بسیج اسلام در برابر آن به منظور شکست نهایی شوروی استفاده نمود.

رخداد انقلاب اسلامی و اوج‌گیری تنش‌های منطقه‌ای در آن دوره با شکل‌گیری دومین جنگ سرد همزمان گردید که دولت آمریکا به عمد بحران‌های موجود در روابط با شوروی را دامن می‌زد تا جو مناسب برای بهبود موقعیت آن کشور در مناطق مختلف جهان و آماده نمودن افکار عمومی برای گسترش حضور نظامی خود در مناطق مختلف جهان فراهم سازد و طی آن اعراب ضرورت کمک نظامی اسرائیل را درک نمایند

آمریکا حتی امیدوار بود ترس از مسکو موجب روابط بهتر پاکستان، ایران و عراق با آمریکا شود. اظهار امیدواری آمریکا از استقرار دولت جمهوری اسلامی در ایران با توجه به نیاز به ایران و تلقی از تهدید مسکو بود و این کشور علاقه‌مند بود دولت آینده به روابط با آمریکا، اروپا و ژاپن ادامه دهد و گرایش ضدکمونیستی رهبران مذهبی و ارتش ایران بر ضد شوروی در این خوش‌بینی نقش داشت. در عمل پیروزی انقلاب در ایران شوروی را بیش از غرب غافلگیر و نگران نمود زیرا شوروی نه تنها از سقوط شاه سودی را برای خود جستجو نمی‌نمود بلکه با توجه به ماهیت مذهبی انقلاب از پیامدهای آن درهراس بود زیرا سرتاسر مرزهای شوروی با ایران را جمهوری‌های مسلمان‌نشین شوروی تشکیل می‌دادند و تلاش رهبری شوروی برای از بین بردن مذهب در میان آنها را خنثی کرده و تأثیرات انقلاب اسلامی در این جمهوری‌ها را غیرقابل جلوگیری می‌نمود. پس از پیروزی انقلاب با وجود تضاد ایدئولوژیک و برغم حکمفرما شدن فضای خصمانه بر روابط ایران و آمریکا جهت‌گیری مذهبی انقلابی ایران به خودی خود چالشی در برابر نظام کمونیستی شوروی ایجاد نموده و نقش دیدگاه‌های مذهبی جمهوری اسلامی ایران در برابر شوروی و تأثیرگذاری آن بر جمهوری‌های مسلمان داخل قلمرو شوروی، تهاجم شوروی به افغانستان و نقش ایران در تحکیم اتحاد و کمک به مقاومت افغانستان باعث شد توجه آمریکا را به سوی ایران جلب شود. این وجوه نشانگر اهمیت ایران در نظر آمریکا در دوره جنگ سرد بود.

آمریکا پس از فروپاشی نظام دوقطبی با تلقی از خود به عنوان قدرت بلامنازع در جهان و تنها ابرقدرت جهانی با استفاده از خلاء ناشی از فروپاشی شوروی فرصتی را برای خود فراهم دید تا به‌زعم خویش رهبری جهان را به دست گرفته و آن را حفظ نماید.

پی‌جویی اهدافی چون: تقویت بنیه اقتصادی و بدست گرفتن رهبری اقتصادی جهانی، گسترش لیبرال دموکراسی و حقوق بشر آمریکا، حفظ قدرت بلامنازع جهانی آمریکا، حضور در صحنه‌های بین‌المللی، انزوای کشورهای خارج از حلقه متحدان آمریکا، استراتژی آمریکا را به تغییر در نکات کانونی و توجه از شوروی به پیشامدهای

غیرمنتظره در جهان سوم و قدرت‌های نظامی منطقه‌ای که جسارت وارد آوردن صدمات جدی به منافع و اهداف استراتژیک آمریکا را دارند واداشته است. با پایان جنگ سرد به موازات تغییر و تحول در محیط نظام بین‌المللی اهمیت جایگاه استراتژیک ایران نیز دستخوش دگرگونی گردید اما جنبه‌هایی مهم و چشمگیر از موقعیت ایران در منطقه و نظام بین‌المللی که وجوه آن در مخالفت با سازش خاورمیانه، اسلام‌خواهی سیاسی در کشورهای مسلمان خاورمیانه، حفظ اهمیت آن در منطقه خلیج فارس و گذرگاه مهم و حساس آن اهمیت حفظ ثبات رژیم‌های عربی دست نشانده آمریکا در جنوب خلیج فارس بوده است غرب و به‌ویژه آمریکا را وادار به درک اهمیت ایران نموده است.

اصول‌گرایی اسلامی و نقش ایران در آن خواسته یا ناخواسته جایگزینی برای خطر کمونیسم در دوران پس از جنگ سرد شده است. تلاش آمریکا برای دشمن تراشی به جای کمونیسم و بهره‌برداری از القای تهدید ایران نسبت به رژیم‌های عربی خاورمیانه در راه سوق دادن آنها به سوی سازش با اسرائیل و دادن خوراک به افکار عمومی آمریکا برای توجیه هزینه‌های حضور خود در مناطق مختلف جهان نیز توجه به ایران را برای آمریکا موجب شده است.

هرچند به عقیده برخی از پژوهشگران فروپاشی شوروی نگرش امنیتی مراکز قدرت نظام بین‌المللی را نسبت به جهان سوم تغییر داده و دیدگاه اقتصادی را جایگزین آن نموده است. بر این پایه با از بین رفتن تقابل بین آمریکا و روسیه و تبدیل آن به استراتژی تفاهم، جهان سوم نیز اهمیت خود را از دست داده و اهمیت ژئوپلتیک جهان سوم به شدت کاهش یافته، اما نمی‌توان این امر را به موقعیت ویژه ایران در منطقه خلیج فارس تعمیم داد. پس از حذف رقابت شوروی با وجودی که ایالات متحده آمریکا فاقد (منافع حیاتی) در آسیای مرکزی و قفقاز بوده است اما جلوگیری از دستیابی قدرت‌ها به مزیت‌های استراتژیک در این مناطق را در این ناحیه شکل داده است. (متفکر، ۱۳۸۳، ص

حساسیت و اهمیت استراتژیک ایران در نتیجه فروپاشی شوروی در دسامبر ۱۳۷۰/۱۹۹۱ دچار دگرگونی شد اما این تحول ماهوی باعث کاهش ارزش ایران در محاسبات مربوط به ثبات سیاسی و تعادل قوا در دو منطقه حساس آسیای مرکزی و قفقاز نشده است بلکه بر اهمیت استراتژیک ایران از نظر ارتباط با منطقه آسیای مرکزی و قفقاز افزوده و راه‌های ارتباطی جدید را با کشورهای این مناطق بر روی ایران گشوده و از نظر ژئواستراتژی نیز انحصار ارتباط از راه ترکیه با اروپا را از بین برده و به ایران نقشی محوری در اتحادیه‌های منطقه‌ای اکو و اتحادیه دریای خزر بخشیده است. با توجه به پیوند این دو منطقه با خلیج فارس از یکسو و امکان دست‌اندازی دوباره روسیه به کشورهای تازه استقلال‌یافته، غرب روابط با ایران را با حساسیت همیشگی دنبال نموده است.

جنبه‌های سیاسی استراتژیک ادامه اهمیت ایران از نظر اقتصادی با منابع نفت و ذخائر انرژی خاورمیانه و به‌ویژه خلیج فارس مرتبط بوده است. برخورداری منطقه خلیج فارس از ۳۶۵ میلیارد بشکه نفت که نزدیک به ۶۶٪ ذخائر شناخته شده جهانی و ۷۶ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی که ۳۰٪ ذخایر جهانی را تشکیل می‌دهد و عبور بیش از ۱۶ میلیون بشکه نفت کشورهای منطقه در هر روز از تنگه هرمز که ۵۰٪ نیاز کشورهای صنعتی جهان را تشکیل داده و می‌دهد و هم‌چنین افزایش نیاز داخلی آمریکا به نفت خلیج فارس از ۱۰٪ به بیش از ۲۵٪ ظرف پنج سال از ۱۹۹۵-۱۹۸۹ قابل توجه است. (منفکر، ۱۳۸۳، ص ۴۷۵).

حفاظت از دسترسی به آبراه‌ها و منابع اولیه، تمرکز منافع آمریکا در خلیج فارس، دل‌نگرانی آمریکا از عدم استمرار جریان نفت خلیج فارس و وجود ۵ کشور از ۸ کشور دنیا که عمر ذخائر ثابت شده آن‌ها به بیش از ۵۰ سال در حوزه خلیج فارس و استمرار نیازهای ژاپن و اروپا و چین به نفت ایران و منطقه در این خصوص قابل توجه است. برای آمریکا و کشورهای منطقه به ثبوت رسیده است ایران قویترین کشور منطقه و برخوردار از بیشترین کرانه‌ها در خلیج فارس با حدود ۷۰ میلیون نفر جمعیت را نمی‌توان در نظام منطقه‌ای نادیده گرفت.

بازارهای ایران و امکانات بالقوه آن که حجم صادرات آمریکا به ایران را از ۲۷ میلیون دلار در سال ۱۹۸۹ به ۷۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۲ با ۲۰ برابر افزایش رسانده و آمریکا را به ششمین شریک تجاری ایران پس از آلمان، ژاپن، انگلستان، ایتالیا و فرانسه تبدیل نموده است نیز جنبه‌ای از ادامه این اهمیت بوده است.

در پیامد فروپاشی شوروی، آمریکا همچنان عمده‌ترین مبارزه‌جو در برابر قدرت ایران در منطقه باقی‌مانده و به عنوان مداخله‌گر، عمده، ضرورت حضور خود را در منطقه از راه‌های مختلف توجیه نموده است. در این سیاست مهار ایران از سوی آمریکا برای تأمین منافع خود و تسلیم ایران بوده است.

پس از جنگ سرد تلاش آمریکا برای القای این مفهوم بوده است که با توجه به تغییرات به وجود آمده، نیاز استراتژیک آمریکا به وجود ایران و عراق برطرف شده و دیگر تکیه بر یکی در برابر دیگری ضرورتی ندارد و آمریکا از این نظر احساس رضایت می‌نماید با این وجود دولت آمریکا (در زمان کلینتون) به ویژه ایندایک (واضع استراتژی ژئوپولیتیکی مهار دوگانه) به این نکته اذعان دارند که با وجود فروپاشی شوروی و برخورداری ایران از گسترده‌ترین کرانه‌ها در خلیج فارس و نقش ارتباطی با کشورهای آسیای میانه و قفقاز اهمیت جایگاه ایران همچنان ادامه دارد با توجه به تغییر در توازن ژئوپولیتیکی جهان به علت به بن‌بست رسیدن نظام دوقطبی و پایان یافتن جنگ سرد، فقدان ابرقدرت رقیب آمریکا، مشکلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و هزینه‌های سرسام‌آور نظامی روسیه، فشارهای عمده خارجی علیه آن کشور، رشد ملی‌گرایی در اروپای شرقی و آسیای میانه و قفقاز و تحولات نوین در ساختار نظام بین‌الملل ایران در مقیاس منطقه‌ای و جهانی از جمله در استراتژی‌های ژئوپولیتیکی آمریکا جنبه‌های جدیدی به خود گرفته است. بررسی اجمالی در منابع و اسناد نشان می‌دهد تحولات اخیر در نظام دوقطبی ژئوپولیتیکی جهان پیامدهای زیر را به دنبال داشته است:

- مطرح شدن نظام نوین جهانی

- تحولات عمده در مناطق - حوزه‌ها و نقطه‌های استراتژیک جهان

- تغییر در استراتژی‌های ژئوپولیتیکی آمریکا در جهان و منطقه
- تغییر ماهیت امنیت ملی از نظامی به اقتصادی و از اقتصادی به مدیریت اطلاعات دانش و انفورماتیک و بازگشت به تلفیق آن‌ها.
- گسترش حضور نظامی آمریکا در جهان و خاورمیانه
- افزایش تلاش در جهت انطباق مناطق ژئواکونومیک با مناطق ژئواستراتژیک
- گسترش جهانی‌سازی و روندهای متعارض با آن
- افزایش نقش سازمان‌های بین‌المللی و غیر دولتی
- رشد اسلام‌گرایی سیاسی در جهان
- گسترش تلاش‌هایی برای استقرار دموکراسی و لیبرال دموکراسی
- از بین رفتن رقیب آمریکا در جهان

این تحولات چالش‌های اساسی آمریکا در جهان را سبب شده است، از جمله:

تضعیف اسرائیل، سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی، انقلابی‌گری ایران، تروریسم بن‌لادنی، عدم جریان مستمر نفت و مخالفین ایجاد نظام تک قطبی به رهبری آمریکا، و این کشور برای فائق آمدن به این چالش‌ها به دنبال استراتژی‌های ژئوپولیتیکی جدید می‌باشد. همچنین از دیگر عوامل تأثیر گذار در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها برای تدوین استراتژی‌های ژئوپولیتیکی آمریکا، دیدگاه‌ها، نقش رئیس‌جمهور و کاخ سفید و مشاوران آن، پنتاگون و نخبگان وابسته به آن، سیا و نخبگان مرتبط به آن، وزارتخانه‌ها و نخبگان شاغل در آن، کمیته خارجی سنات، احزاب و گروه‌های سیاسی، شورای روابط خارجی، وزارت بازرگانی، وزارت دادگستری، روسای مجتمع‌های اقتصادی و نظامی، رسانه‌های ارتباط جمعی، توان نظامی و گروه‌های ذی‌نفوذ در این نهادها ساختارها می‌باشند.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران در گردونه استراتژی‌های غرب به خصوص آمریکا قرار داشت و امنیت ملی آن با حمایت آمریکا تأمین می‌گردید اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از این گردونه نه تنها خارج شده است بلکه به عنوان یک قدرت

منطقه‌ای مخالف با استراتژی‌های آمریکا درآمده و منشاء تحولات ضد آمریکایی در منطقه و جهان شده و با آمریکا در حال بازی حاصل جمع جبری صفرمی باشد. قرار گرفتن ایران در مرکزیت و محوریت حوزه‌های ژئوپولیتیک خلیج فارس و عمان، اقیانوس هند، آسیای مرکزی، قفقاز و تسلط بر کانون‌های بیضی استراتژیک انرژی خاورمیانه، نقش بنیادی و اساسی در استراتژی‌های ژئوپولیتیک آمریکا ایفاد می‌نماید.

همان‌طور که در پیش اشاره شد پس از فرو ریختن دیوار برلین، فروپاشی شوروی، از بین رفت نظام دوقطبی، پایان جنگ سرد به علت به بن‌بست رسیدن استراتژی‌های غرب و شرق، سیاست‌های آمریکا از استراتژی سد نفوذ و سیاست بازدارندگی در برابر تجاوز شوروی به استراتژی‌های متنوع‌تر و انعطاف‌پذیر که بر مسائل منطقه‌ای تمرکز بیشتری داشت چرخش پیدا نمود، آمریکا بعد از از بین رفتن دشمن خود (شوروی) به دنبال دشمن دیگری در صحنه بین‌المللی بود و این دشمن بعدی در گفته ویلیام کلبی که می‌گوید: «ما همواره دشمنانی داریم، کسانی که ما را شیطان بزرگ خطاب می‌کنند»، آشکارا بیان شده است. بر این اساس تلاش آمریکا برای رویارویی با ج.ا.ا سرلوحه عمل دولت آمریکا قرار گرفت و در دوران بوش اول استراتژی‌های تلفیقی از جنبه کهن (استراتژی‌های قبلی) و جدید تحقق پیدا کرد. جنبه کهن آن ایجاد حمایت از مراکز قدرت منطقه‌ای و جنبه نوین آن حفظ بخشی از نیروها و جنگ‌افزارهای نظامی به طور دائمی در منطقه خلیج فارس است از دیدگاه بوش موفقیت این سیاست‌ها در قالب نظم نوین جهانی درخاورمیانه مستلزم فایق آمدن بردو مانع عمده بود:

۱- جایگاه بالای ژئوپولیتیک ایران به‌عنوان یک قدرت عمده منطقه‌ای: در این راستا آمریکا برای تخفیف جایگاه ژئوپولیتیک ایران از طریق دامن زدن به خصومت بین ایران و اعراب منطقه و ممانعت از عقد قراردادها بین ایران و کشورهای منطقه، تلاش آن کشور به کشیدن لوله‌های نفت از غیر مسیر ایران، به هم زدن روابط ایران و اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای جهان از جمله ژاپن، چین، اتهامات نقض حقوق بشر و نبود آزادی، ممانعت از دستیابی ایران به فناوری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، ممانعت از

انتقال تکنولوژی پیشرفته به ایران، مقابله با ایجاد توانمندی بالا و قدرت برتر منطقه‌ای ایران بهره جسته است و این کشور برخی موارد را با جنگ و عملیات روانی در سطح جهان عمل کرده و می‌نماید.

۲- مناقشه اعراب و اسرائیل: در این ارتباط آمریکا ترجیح داده است اسرائیل را با انواع سلاح‌های پیچیده تقویت نماید تا برتری منطقه‌ای برای اسرائیل فراهم شود اما استراتژی‌های آمریکا در منطقه حساس خاورمیانه با دو مشکل بزرگ از جمله نهضت‌های اسلامی و سیاست‌های ج.ا.ا. روبرو گردیده است.

شکل‌گیری خاورمیانه بزرگ و طرح نظم نوین جهانی بر مبنای ژئواکونومیک و ویژگی‌های منطقه باعث مطرح شدن این منطقه به عنوان هارتلند جدید گردیده است و می‌تواند نیازمندی‌های آمریکا به منابع انرژی را برای مدت طولانی برآورده نماید. با این که آمریکا یک سوم تولید ناخالص جهان را در اختیار دارد، اما این آن کشور به منابع معدنی گوناگون نیازمند است و به علت مصرف زیاد به ۱۲ ماده معدنی به اندازه ۱۰۰٪ به ۹ ماده معدنی بین ۸۰٪ تا ۹۰٪ و در مورد ۸ ماده معدنی بین ۷۰٪ تا ۸۰٪ وابستگی دارد (متفکر، ص ۲۹۰) هم‌چنین از نظر انرژی در وضعیت فعلی یک چهارم نفت خود را از خلیج فارس وارد می‌نماید این در حالی است که ذخایر نفت آمریکا ۲۱ میلیارد بشکه یعنی ۲ درصد و از نظر گاز نیز ۱۶۴ تریلیون فوت مکعب تنها ۳ درصد گاز طبیعی ذخایر شناخته شده جهان را دارا است. با پیش‌بینی مصرف نفت و گاز از سوی آمریکائیان این کشور برای تامین نفت و انرژی خود در آینده نیازمند تامین بدون دغدغه و جریان آزاد همراه با امنیت انرژی از مناطقی که این ذخایر در آنجا قرار دارد می‌باشد بنابراین یکی از عوامل اساسی ژئوپولیتیکی که بر استراتژی‌های آمریکا تاثیرگذار می‌باشد تامین ارزان انرژی از مناطق مختلف جهان می‌باشد.

(world Almanac, 2001,P173)

از سوی دیگر در آستانه قرن ۲۱، بخش خدمات ۷۱٪ نیروی کارآمد ۷۲٪ تولید ناخالص ملی آمریکا را به خود اختصاص داده است. تولید ناخالص سرانه آن ۳۱۵۰۰ دلار و درآمد ملی آن در سال ۱۹۹۹، ۷۴۳۹ میلیارد دلار با درآمد سرانه ۲۷۰۰ دلار بوده

است (Georg Inger; Mildcepi will txrnery in tone USA today, toure 19, 2000) بر این اساس یکی از عوامل تاثیرگذار بر استراتژی‌های ژئوپولیتیکی آمریکا درآمد سرانه و واردات انرژی می‌باشد.

منافع ملی آمریکا از عوامل دیگر تاثیرگذار بر استراتژی‌های ژئوپولیتیکی آمریکا بوده و این منافع به منافع حیاتی، فوق‌العاده مهم و فرعی تقسیم گردیده است از جمله منافع حیاتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- جلوگیری، ممانعت و کاهش حملات سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و هسته‌ای به آمریکا و نیروهای نظامی آن در خارج از کشور
- ۲- تضمین بقای متحدان آمریکا و همکاری فعال با این کشورها در شکل‌دهی نظام بین‌المللی که در آن آمریکا به بالندگی برسد
- ۳- ممانعت از ظهور و شکل‌گیری قدرت‌های بزرگ متخاطم جهانی و منطقه‌ای به خصوص در منطقه خلیج فارس.

۴- صدور دمکراسی و جلوگیری از نقش حقوق بشر.

۵- کنترل و سرکوب تروریسم

۶- بقاء و استقلال اسرائیل به عنوان منافع حیاتی آمریکا

با روی کارآمدن کلیتون استراتژی ژئوپولیتیکی آمریکا بر جنبه‌های منفی در اتهامات وارده به ایران تکیه کرد از جمله: (بولتن‌های نمایندگی دائم جمهوری اسلامی در نیویورک.

شماره ۵۱ ص ۸-۷ و شماره ۵۷ ص ۱۲-۹)

- ایران توسعه طلب (با تاکید بر قضیه جزیره ابوموسی)
- ایران بنیادگرا (با تاکید بر حمایت از جنبش‌های اسلامی حماس و حزب الله)
- ایران ضدارزش‌های غربی (با تاکید بر نقض حقوق بشر و قضیه سلمان

رشدی)

- ایران حامی تروریسم (با تاکید بر قتل مخالفین سیاسی ایران در خارج)

- ایران ضد صلح (با تاکید بر مخالفت ایران با گفتگوهای سازش)

- ایران نظامی گرا (با تاکید بر خریدهای نظامی و تلاش برای دستیابی به - سلاح‌های هسته‌ای)
- ایران اصلاح‌ناپذیر (با تاکید بر شعارهای ضد آمریکایی و خط مشی انقلابی ایران)

استراتژی ژئوپولیتیکی مهار دوجانبه که در آن هدف اولیه، تغییر رفتار ایران در محورهای پنج‌گانه زیر اعلام گردید: (متفکر، ۱۳۸۳، ص ۴۶۲)

- ۱- تلاش برای گسترش جنگ‌افزارهای کشتار جمعی
- ۲- کوشش برای دستیابی به جنگ‌افزارهای هسته‌ای
- ۳- کشتن مخالفان سیاسی در خارج
- ۴- تلاش برای سرنگونی حکومت‌های هوادار آمریکا
- ۵- نقض حقوق بشر در ایران

در اجرای این استراتژی محورهای زیر مورد تصویب و اجرا قرار گرفت (همان)

- بستن منقذهای موجود در تحریم‌ها علیه ایران
 - بین‌المللی کردن تحریم‌ها علیه ایران
 - مهار نظامی فعال
 - حمایت از گروه‌های مخالف ایران
 - در پیش گرفتن ابتکارهای دیپلماتیک در برابر ایران
- با روی کار آمدن بوش دوم اهداف استراتژی‌های ژئوپولیتیکی آمریکا به شرح زیر اعلام گردید: (متفکر، ۱۳۷۹، صص ۸۰-۵۰)
- حفظ سلطه غرب همانند دوران جنگ سرد بر منطقه‌ای که نقش و اهمیت استراتژیک آن در دفاع از اروپا آشکار شده بود.

- ۱- حصول اطمینان از دسترسی به منابع انرژی خاورمیانه
- ۲- حفظ امنیت اسرائیل
- ۳- سرکوب تروریسم ضد آمریکایی

۴- ممانعت از دسترسی کشورهای مخالف آمریکا با سلاح هسته‌ای و کشتار جمعی

۵- جلوگیری از بروز قدرت برتر جهانی و منطقه‌ای

با به وجود آمدن قضایای ۱۱ سپتامبر و مشخص شدن ضربه‌پذیری آمریکا، استراتژی‌های ژئوپلیتیکی آمریکا تبدیل به توان‌مندی‌های نظامی جغرافیایی (Geosecurity) گردید و با ارائه تز جنگ ابدی علیه تروریست‌ها و حامیان آنها جنگ علیه افغانستان و عراق را انجام داد و با تصرف عراق محاصره ایران را کامل نمود و مهار تشدید شده همه‌جانبه را علیه ایران اعمال کرد. اکنون اجرای طرح نقشه راه و استراتژی چهارضلعی را دنبال می‌نماید و برای عملی ساختن استراتژی چهارضلعی (اجرای طرح نقشه راه، ایجاد جوامع مدنی مبتنی بر لیبرال دموکراسی، توسعه مسائل اقتصادی و بازارهای تجاری و ممنوعیت گسترش سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی) به دنبال استقرار نظامی جدید در خاورمیانه می‌باشد. مسلم است آمریکا از تمام نقاط ضعف و تهدیدات داخلی و خارجی و فرصت‌هایی که دارد برای رویارویی با ایران بهره‌جسته و در همه مؤلفه‌های امنیت ملی، تهدیداتی را متوجه ایران کرده است. برای تجزیه و تحلیل و تعیین تهدیدات این مقاله نیازمند تجزیه و تحلیل بر اساس نقاط قوت و ضعف فرصتها و تهدیدات در ابعاد مدیریت کلان، سیاسی - اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و امنیتی - دفاعی بوده تا بتوان پیشنهادهایی برای مقابله با آنها ارائه نمود:

تجزیه و تحلیل بر مبنای «سوات» در رابطه با جمهوری اسلامی

الف - مدیریت کلان :

۱ - نقاط قوت :

۱/۱ - نهادمندی نظام جمهوری اسلامی ایران

۱/۲ - وجود ولایت فقیه در رأس نظام

۱/۳ - ظرفیت بالای مردم‌سالاری دینی

۱/۴ - انسجام در شرایط حساس

۱/۵ - توانایی حفظ ثبات درونی در قبال فشارها و بحران‌های بیرونی

۱/۶ - به میدان آمدن توده‌های مردم بنا به اراده و خواست رهبری

۲ - فرصت‌ها:

۲/۱ - برهم خوردن تعادل و ضعف تدابیر دشمنان - رقبا در خاورمیانه

۲/۲ - تبدیل شدن جمهوری اسلامی به عنوان حلقه مفقوده سیاسی امنیتی خاورمیانه

۲/۳ - پذیرش جمهوری اسلامی به عنوان قدرت منطقه‌ای

۲/۴ - فرسایشی شدن تحولات در عراق و سرزمین اشغالی

۲/۵ - چالش‌های گسترده در مقابل آمریکا

۲/۶ - گرایش‌های عمومی مردم خاورمیانه و آفریقای اسلامی به‌آراء مردم و تغییر

اجتناب ناپذیر در سیستم‌ها و نظام‌های سیاسی

۳ - محدودیت‌ها و فشارها:

۳/۱ - فراهم بودن برخی از زمینه‌ها برای بین‌المللی شدن فشار علیه ایران (مثل

موضوع هسته‌ای)

۳/۲ - خصومت دیرینه آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران.

۳/۳ - فقدان هم‌پیمان استراتژیک در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای

۳/۴ - نفوذ دشمنان جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های بین‌المللی و ضعف نفوذ

ایران.

۳/۵ - تبدیل شدن اسلام سیاسی به هدف رویکردی تهاجمی دشمنان.

ب - ابعاد سیاسی:

۱ - نقاط قوت:

۱/۱ - توانایی رهبران ایران در بازی با علائم (سیگنال‌های) سیاسی - خارجی.

- ۱/۲ - جدایی اصول گرایان از افراطیون سیاسی داخل کشور.
- ۱/۳ - انسجام نسبی نیروهای حفظ انقلاب در فرآیند سیاسی و تأثیرگذاری به شکل‌دهی قدرت ملی
- ۱/۴ - تداوم سیاست تنش‌زدایی و اجتناب از درگیری‌ها در صحنه بین‌المللی.
- ۱/۵ - حساسیت و حضور مقام معظم رهبری در ایجاد همگرایی و تنش‌زدایی درونی.

۲ - فرصت‌ها:

- ۲/۱ - پیدایش فرصت‌های سیاسی تازه در زمینه‌های اشغالی افغانستان و عراق.
- ۲/۲ - کاهش امید دشمنان به نیروهای گریز از مرکز در داخل ایران.
- ۲/۳ - فراهم آمدن زمینه برای از بین بردن تهدیدات منافقین و دیگر تهدیدات امنیتی مرزی.
- ۲/۴ - فراهم آمدن زمینه‌های تعامل با برخی از قدرت‌های تأثیرگذار جهانی به غیر از آمریکا.
- ۲/۵ - فراهم آمدن زمینه نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در صحنه‌های بین‌المللی و منطقه.
- ۲/۶ - امکان استفاده از نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای.

۳ - فشارها و محدودیت‌ها:

- ۳/۱ - رشد و قدرت مالی حامیان برخورد شدید با ایران در هیئت حاکمه رقیب و دشمن
- ۳/۲ - اختصاص ردیف‌های بودجه‌ای مشخص برای برخورد با ایران.
- ۳/۳ - افزایش سرمایه‌گذاری دشمنان بر روی عناصر اپوزیسیون وابسته.
- ۳/۴ - تناقض بین حفظ برتری شیعه در عراق و همگرایی کشورهای عربی.
- ۳/۵ - امکان بهره‌گیری از شورای امنیت علیه ایران.

۳/۶ - امکان بهره‌گیری از سازمان های بین المللی علیه ایران. (ساداتیان، صص ۳۶۹-۳۷۶)

ج - اقتصادی و توسعه :

۱ - نقاط قوت:

- ۱/۱ - وجود رشد نسبی در کشور و توسعه اقتصادی علیرغم تحریم های بیرونی.
- ۱/۲ - وجود نفت - منابع طبیعی و کشاورزی گسترده.
- ۱/۳ - نیروی انسانی فراوان و خوش فکر.
- ۱/۴ - استقبال از افزایش تمایل سرمایه گذاری خارجی در ایران.
- ۱/۵ - افزایش سطح تکنولوژی تولید در کشور.
- ۱/۶ - وجود زیر ساخت های پیشرفت اقتصادی در ایران.
- ۱/۷ - وجود ذخیره ارزی.

۲ - فرصت‌ها:

- ۲/۱ - پیدایش فرصت‌های تازه تجاری در مناطق اشغالی افغانستان و عراق.
- ۲/۲ - امکان جذب تکنولوژی و منابع مالی از منابع گوناگون جهان.
- ۲/۳ - کاهش اقتدار آمریکا در کاهش قیمت نفت.
- ۲/۴ - ایجاد توانایی برای صدور خدمات مهندسی به کشورهای در حال توسعه.
- ۲/۵ - افزایش تمایل سرمایه‌گذاری خارجی در ایران.

۳ - فشارها و محدودیت‌ها:

- ۳/۱ - توانایی دشمنان در بازی سیاسی با اقتصاد ایران در زمینه های مختلف.
- ۳/۲ - تحریم صدور تکنولوژی و کالاهای تکنولوژیک پیشرفته به ایران.
- ۳/۳ - جلوگیری از دسترسی ایران به بازارهای جهانی.
- ۳/۴ - جلوگیری از دسترسی ایران به مراکز علمی و فناوری جهان.
- ۳/۵ - کاهش اعتبار ایران در سطح جهانی به علت محدودیت های مالی و اعتباری.

د - فرهنگی اجتماعی :

۱ - نقاط قوت:

- ۱/۱ - خصلت بیگانه‌ستیزی و سلطه‌ناپذیری تاریخی تمدن ایرانی.
- ۱/۲ - وحدت تئوریک در جامعه در پرتو اندیشه تشیع.
- ۱/۳ - وجود رویه انقلابی‌گرایی.
- ۱/۴ - ساختار قوام یافته و گسترده و پذیرفته شده مرجعیت و روحانیت.
- ۱/۵ - حاکمیت مردم‌سالاری دینی و ترکیب هویت اسلامیت و ایرانیت.

۲ - فرصت‌ها :

- ۲/۱ - افزایش نفرت افکار عمومی دنیا به ویژه جهان اسلام از دشمنان اصلی ایران (آمریکا اسرائیل).
 - ۲/۲ - عقبه قوی استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی .
 - ۲/۳ - افول سکولاریسم و افزایش به اسلام در غرب و الگوهای سیاسی وابسته به آن.
 - ۲/۴ - فساد فرهنگی جوامع غربی و تضعیف الگوهای تهاجمی آن فرهنگ‌ها در جهان و ایران.
 - ۲/۵ - ظهور نوعی وحدت ایدئولوژیک آرمانی در جهان اسلام.
- ۳ - فشار و محدودیت‌ها:
- ۳/۱ - تأثیر فرهنگی قدرت برتر رسانه‌ای آمریکا.
 - ۳/۲ - جداسازی سرنوشت ایران از جهان.
 - ۳/۳ - حاکمیت پراگماتیسم محض بدون اصول‌گرایی در دیپلماسی.
 - ۳/۴ - توانایی بهره‌گیری دشمنان از ابزارها و تکنولوژی‌های تبلیغی و فرهنگی.

هـ - امنیتی - دفاعی: (ساداتیان، سیدجلال و دیگران، ص ۴۸۶)

۱ - نقاط قوت:

- ۱/۱ - خود اتکایی.
- ۱/۲ - روحیه مهارت و تخصص طلبی به همراه شهادت طلبی.
- ۱/۳ - توانایی شناسایی و قطع ارتباطات مخرب با بیرون و شناسایی و کنترل سرخط ها.
- ۱/۴ - تقویت فرهنگ نظام بخشی - امنیت سازی در میان نیروهای مسلح.
- ۱/۵ - توانایی وارد آوردن ضربات متقابل بازدارنده با حداقل افزایش هزینه به اقسام نظامی دشمن به عنوان یک مؤلفه بازدارنده.
- ۱/۶ - توانایی بهره گیری از الگوی جنگ نامتقارن

۲ - فرصت ها:

- ۲/۱ - وجود و حضور مدافعان انقلاب در بیرون از مرزها.
- ۲/۲ - ضربه پذیر شدن دشمنان.
- ۲/۳ - وجود منافع حیاتی آمریکا و امکان ضربه زدن به آن با نیروی نظامی به صورت نامتقارن.
- ۲/۴ - ناتوانی آمریکا در دو جنگ سرزمینی در اطراف ایران و اجرای استراتژی اشغال مستمر در آن ها.

۳ - فشارها و محدودیت ها:

- ۳/۱ - همسایه شدن با آمریکا (دشمن سنتی).
- ۳/۲ - تهدیدات ضربه ناگهانی محدود (توسط آمریکا و اسرائیل).
- ۳/۳ - سرمایه گذاری اطلاعاتی و امنیتی دشمنان به ویژه آمریکا - اسرائیل و ... علیه ایران.
- ۳/۴ - گسترش ناتو به کشورهای هم جوار.

- ۳/۵ - توانایی آمریکا در استفاده از فناوری پیشرفته علیه ایران.
- ۳/۶ - توانایی استفاده از قدرت نظامی هم پیمانان آمریکا علیه ایران. (ساداتیان، ص ۴۸۶)
- عوامل بحران‌زا که می‌تواند به عنوان مستمسکی در اختیار آمریکا برای عملی ساختن تهدیدات باشد عبارتند از:
- الف - اتهام حمایت از تروریسم.
- ب - اتهام تولید سلاح‌های کشتار جمعی، هسته‌ای و عدم همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.
- ج - اتهام تولید سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی.
- د - اتهام دخالت ایران در افغانستان.
- ه - اتهام دخالت ایران در عراق.
- و - اتهام حضور نیروهای طالبان و القاعده در ایران.
- ز - اتهام نقض حقوق بشر در ایران.
- ح - اتهام عدم وجود آزادی در ایران.
- ی - اتهام تصرف اراضی کشورهای همسایه توسط ایران.
- ک - اتهام تصرف غیرقانونی لانه جاسوسی توسط ایران و درخواست خسارت.
- ل - سوء استفاده از موضع‌گیری‌های رسمی و غیررسمی مسئولان ایران.
- آمریکا از تمام نقاط ضعف و تهدیدات داخلی و خارجی منطقه برای رویارویی با ایران بهره‌جسته و در همه محورهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تهدیداتی را متوجه ایران کرده است. هم‌اکنون نیز آمریکا در رابطه با جایگاه ژئوپولیتیک ایران از راه‌های: ممانعت از عقد قرارداد بین ایران و کشورهای منطقه، کشیدن لوله‌های نفت از غیر مسیر ایران، به هم زدن روابط ایران و اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای جهان از جمله ژاپن، چین و اتهامات نقض حقوق بشر، نبودن آزادی، ممانعت از دستیابی به فناوری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، ممانعت از انتقال تکنولوژی به ایران، مقابله با ایجاد توانمندی بالا و قدرت برتر منطقه‌ای ایران، به دنبال تخفیف جایگاه آن می‌باشد. آمریکا برخی موارد را با تحریم‌های اقتصادی و برخی را با تحریم‌های تسلیحاتی و برخی را

با تحریک و برخی را با جنگ و عملیات روانی در سطح جهان اعمال می‌نماید. بنابراین با فروپاشی شوروی و توانایی‌های برتر نظامی و نفوذ در مجامع بین‌المللی و ایجاد نظام تک قطبی در جهان و دسترسی آسان به منابع انرژی، جایگاه ژئوپولیتیک آمریکا را افزایش داده و هر اندازه این جایگاه بالاتر می‌رود به علت بازی حاصل جمع جبری صفر بین آمریکا و ایران، استراتژی‌های ژئوپولیتیک آمریکا کارایی بیشتری در صحنه بین‌الملل داشته و هرچه این کارایی بالاتر رود تهدیدی جدی در خصوص جایگاه ژئوپولیتیک ایران است که این تحول به ضرر منافع ملی و امنیت ملی ایران است.

نتیجه‌گیری و ارائه استراتژی‌های پیشنهادی :

استراتژی‌های ژئوپولیتیک آمریکا در دوران جنگ سرد مبتنی بر حفظ امنیت و تمامیت ارضی و رفاه اقتصادی و ایجاد اصلاحات داخلی و بالا بردن جایگاه ژئوپولیتیک و پرستیژ ایران و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی توسط آمریکا برای ایجاد وابستگی تام به غرب بود. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی شوروی و مطرح شدن نظام تک قطبی از سوی آمریکا، استراتژی‌های ژئوپولیتیک مهار دو جانبه، نظم نوین جهانی، مهار همه جانبه تشدید شده به خصوص بعد از ۱۱ سپتامبر و تصرف افغانستان و عراق، تهدیداتی را در همه مولفه‌های امنیت ملی ایران متوجه ایران کرده است. با توجه به تجزیه و تحلیل فوق، برای تدوین استراتژی‌های پیشنهادی ابتدا زمینه‌ها، شرایط تحقق، اهداف عملی و سناریوهای عملی شدن تهدیدات مورد اشاره قرار می‌گیرد و سپس برای مقابله با تهدیدات، اهداف - سیاست‌ها و راهبردها ارائه می‌گردد.

۱- زمینه‌های تهدیدات

<p>- تضادهای اعتقادی بین اسلام با لیبرالیسم - شیطان بزرگ نامیدن آمریکا از سوی ج.ا.ا. - حمایت ج.ا.ا. از جنبش‌های ضد آمریکایی - وجود گروهک‌های فکری، فرهنگی طرفدار لیبرالیسم غربی در ایران و حمایت آمریکا از آن‌ها - سیطره آمریکا بر دستگاه‌های خبررسانی و تبلیغاتی بزرگ دنیا - حمایت ج.ا.ا. از اصول‌گرایان اسلامی در جهان - عدم به رسمیت شناختن بهائیت به عنوان یک دین در ج.ا.ا.</p>	<p>زمینه‌های فرهنگی و اعتقادی</p>
<p>- سیطره لابی‌های مخالف ایران بر کنگره و سیاست خارجی آمریکا - داشتن پیمان‌های استراتژیک با کشورهای منطقه خلیج فارس دریای مازندران ترکیه و پاکستان - حمایت همه‌جانبه آمریکا از اسرائیل - مخالفت ج.ا.ا. با طرح‌های منطقه‌ای آمریکا از جمله روند صلح خاورمیانه - داشتن حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل و تسلط بر سازمان‌های بین‌المللی - موقعیت ژئوپولیتیک ایران و اهمیت آن در ژئواستراتژی آمریکا - تحقیر سیاست‌های آمریکا پس از انقلاب اسلامی از قبیل تصرف لانه جاسوسی و مخالفت با سیاست‌های آمریکا - حمایت ج.ا.ا. از جنبش‌های ضد آمریکایی</p>	<p>زمینه‌های سیاسی</p>
<p>- زمینه‌های مالی و اقتصادی آمریکا و نفوذ در سازمان‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی - احتساب منابع اقتصادی خلیج فارس به عنوان منافع ملی آمریکا</p>	<p>زمینه‌های اقتصادی</p>

<p>- وجود پایگاه های نظامی در کشور های منطقه و استقرار نیروها و تجهیزات نظامی آمریکا در کشورهای منطقه</p> <p>- انعقاد پیمان های دفاعی و انجام مانورهای نظامی با کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای توسط آمریکا</p> <p>- حضور مستشاران نظامی آمریکا در کشورهای منطقه</p> <p>- گسترش توانایی نظامی ج.ا.ا در منطقه خلیج فارس (خرید زیردریایی، استقرار سیستم های موشکی، تقویب پدافند جزایر)</p> <p>- برتری تکنولوژی نظامی آمریکا</p> <p>- توانایی اطلاعاتی و جاسوسی در سطح وسیع با وجود ماهواره ها، هواپیماهای شناسایی اوکس های جاسوسی و پایگاه های اطلاعاتی در منطقه توسط آمریکا و اسرائیل</p>	<p>زمینه های نظامی</p>
---	----------------------------

برای تحقق تهدیدات آمریکا علیه ایران، ابتدا باید زمینه های آن فراهم گردد، در این رابطه زمینه های تهدیدات علیه ایران عبارتند از:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲- شرایط تحقق تهدیدات:

شرایط زیر می‌تواند به عملی شدن تهدیدات آمریکا منجر شود:

<p>- جلب افکار عمومی آمریکا و غرب به منظور برخورد نظامی با جمهوری اسلامی ایران.</p> <p>- کسب اطمینان قطعی به پیروزی در جنگ علیه ایران.</p>	محیط داخلی آمریکا
<p>- گسترش آسیب‌پذیری‌های فکری - اعتقادی مردم ایران و گرایش به غرب.</p> <p>- از بین رفتن انسجام ملی، روحیه دفاعی، ایثار و از خودگذشتگی مردم.</p> <p>- ضعف دستگاه دیپلماسی خارجی جمهوری اسلامی ایران جهت انجام اقدامات بازدارنده سیاسی در سازمان‌های بین‌المللی و سایر کشورها.</p> <p>- بروز هرگونه تردید، ابهام و ضعف در دفاع از منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس.</p> <p>- گسترش اختلافات بین گروه‌ها، احزاب و سازمان‌های سیاسی داخل کشور و تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران.</p> <p>- ضعف سیستم‌های دفاع هوایی و عدم آمادگی دفاع از منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و سواحل و جزایر.</p> <p>- عدم انسجام درونی، (حداقل دستگاه اجرایی) و عدم وحدت نظر و وحدت رویه در داخل نظام و دولت درخصوص روابط با آمریکا.</p> <p>- منفعل و مرعوب شدن از توان نظامی آمریکا و یا درگیری در رقابت تسلیحاتی و اتخاذ شیوه جنگی براساس تکنولوژی جنگ متقارن با آمریکا.</p>	محیط داخلی ایران
<p>- مشروعیت یافتن هرگونه حمله و محاصره آمریکا به ایران توسط افکار عمومی جهان و سازمان‌های بین‌المللی.</p> <p>- انزوای سیاسی جمهوری اسلامی ایران و بروز و گسترش اختلافات ایران با کشورهای همسایه و اروپایی و سازمان‌های بین‌المللی.</p> <p>- جلب رضایت دولت‌ها و افکار عمومی مردم منطقه برای برخورد با ایران.</p>	محیط بین‌الملل

۳- اهداف عملیاتی تهدیدات دشمن را می توان به ابعاد فیزیکی و غیرفیزیکی

تقسیم نمود:

اهداف فیزیکی محدود	اهداف فیزیکی عمده	اهداف فیزیکی در سطح ملی	اهداف غیرفیزیکی در سطح ملی	اهداف غیر فیزیکی در سطح منطقه و بین المللی
<p>- زدن شناورها و وسکوهای نفتی ایران در خلیج فارس</p> <p>محاصره دریایی و کنترل شناورها به مقصد بنادر ایران</p> <p>- خراب کاری و جاسوسی در ایران از طریق گروه های تروریستی ایرانی</p>	<p>- بمباران مراکز انرژی اتمی</p> <p>- انهدام تاسیسات بندی، فرودگاه ها، تاسیسات مخبراتی، تاسیسات اقتصادی و نظامی</p> <p>- تصرف جزایر ایران در خلیج فارس</p>	<p>- بمباران مراکز حیاتی کشور</p> <p>- سازمان دهی و حمایت از طرح های تجزیه طلبانه</p> <p>- براندازی نظام ج.ا. و یا حداقل تغییر رفتار نظام ج.ا. متناسب با اهداف و آرمان های سیاسی و فکری غرب</p> <p>- دامن زدن به اختلافات مذهبی و قومی و سیاسی در داخل کشور</p> <p>- جنگ روانی و نا امید کردن مردم از نظام حکومت دینی</p> <p>- دور کردن مردم از مبانی حکومت دینی و گرایش به سمت تمدن غربی (لاییک و لیبرالیسم)</p>	<p>- حمایت از گروه های سیاسی و فکری معارض با نظام ج.ا. و تقویت آن ها</p> <p>- براندازی نظام ج.ا. و یا حداقل تغییر رفتار نظام ج.ا. متناسب با اهداف و آرمان های سیاسی و فکری غرب</p> <p>- دامن زدن به اختلافات مذهبی و قومی و سیاسی در داخل کشور</p> <p>- جنگ روانی و نا امید کردن مردم از نظام حکومت دینی</p> <p>- دور کردن مردم از مبانی حکومت دینی و گرایش به سمت تمدن غربی (لاییک و لیبرالیسم)</p>	<p>- بزرگ نمایی خطر ج.ا. برای تمدن غرب و جایگزینی تهدید ایران به جای تهدید شوروی سابق در بین کشورهای جهان و تضعیف اقتدار نظام ج.ا.</p> <p>- تحریک افکار عمومی جهان بر علیه ج.ا. و خدشه دار کردن اعتبار ج.ا.</p> <p>- تسلط بر منابع انرژی و بازار اقتصادی منطقه</p> <p>- کسب بازار تسلیحات در کشورهای منطقه و ایجاد رقابت تسلیحاتی با بزرگ کردن خطر ایران برای کشورهای منطقه و ایجاد ذخایر عمده تسلیحاتی و تهدید علیه ج.ا.</p> <p>- محاصره سیاسی، اقتصادی، و ممانعت از دستیابی ایران به تکنولوژی های پیشرفته و متعارف و غیرمتعارف</p> <p>- تخریب چهره بین المللی ج.ا. با وارد کردن اتهامات سیاسی، حقوقی و اجتماعی</p> <p>- تلاش برای مهار ایران از طریق ایجاد توسعه حوزه های نفوذ در کشورهای همسایه</p> <p>- پیشبرد روند سازش اعراب و اسرائیل و وارد ساختن ضربه اساسی به حضور و نفوذ ج.ا. در خاورمیانه</p> <p>- از بین بردن تهدید ایران علیه اسرائیل و وارد ساختن ضربه برای پذیرش مشروعیت اسرائیل.</p>

سناریوهای احتمالی آمریکا در برخورد با ایران :

در صورتی که زمینه‌ها و شرایط تحقق تهدیدات فراهم شود سناریوهای احتمالی آمریکا در برخورد با ایران را می‌توان به شرح زیر ارائه کرد:

۱- به دلیل حضور نیروهای آمریکایی در تمام سواحل روبه‌روی مرزهای آبی جنوب کشور و نیز خاک افغانستان، ترکیه و عراق و وجود توانایی فوق‌العاده نظامی، در صورت گسترش آسیب‌پذیری‌های فکری و اعتقادی و ضعف سیستم دفاعی جمهوری اسلامی ایران و اطمینان آمریکا از پیروزی در حمله به ایران، آمریکا، هجوم مستقیم نظامی با متحدین بین‌المللی و منطقه‌ای به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و یا با هدف تجزیه بخشی از کشور یا با ضربه زدن به مراکز نظامی و اقتصادی و سیستم فرماندهی و کنترل و تضعیف جمهوری اسلامی ایران با عملیات روانی آغاز خواهد کرد.

۲- با توجه به توانمندی‌های سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی و نظامی آمریکا در صورت مشروعیت پیدا کردن هرگونه حمله و محاصره ج.ا.ا توسط افکار عمومی جهان و سازمان‌های بین‌المللی و یا انزوای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، آمریکا به صورت همه‌جانبه و جامع نبرد خویش را اعم از محاصره اقتصادی، تخریب چهره بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران با تهاجم تبلیغاتی و فرهنگی و یا تهاجم نظامی به صورت هم‌زمان یا مجزا اقدام خواهد کرد.

۳- با توجه به نگرانی‌های آمریکا از خطر نفوذ اسلام سیاسی و از نوع ایرانی آن در کشورهای تازه استقلال یافته قفقاز، آسیای میانه، در بین مسلمانان بالکان و الگو شدن مردم‌سالاری دینی در منطقه، آمریکا تلاش خواهد کرد به هر طریق ممکن نسبت به از بین بردن سرپل‌های سیاسی - اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این مناطق اقدام نموده و با انجام کمک‌های مالی فراوان یا تحمیل فشار سیاسی - روانی به دولت مردان آن کشورها و تغییر محتوای توافق‌نامه‌ها (از قبیل مسیر خط لوله‌های دریایی مازندران) نسبت به انزوای ج.ا.ا اقدام نماید.

۴ - با توجه به وجود گروه‌های فکری - فرهنگی طرفدار لیبرالیسم غربی و

مشخصاً آمریکا در ایران و حمایت از آنها به منظور نفوذ در بدنه نظام ج.ا.ا با هدف تغییر رفتار ایران در صحنه بین‌المللی و در جهت سیاست‌های جهانی آمریکا، دستگاه‌های جاسوسی آمریکا اقدام به جذب و سازمان‌دهی فعالیت‌های جاسوسی در داخل کشور خواهند نمود و در صورت غفلت دستگاه‌های ذیربط در این زمینه، آمریکا قادر خواهد بود با نفوذ در دستگاه‌های سیاسی و اجرایی کشور و کسب اطلاعات به موقع و دقیق، اقدام به استحاله نظام از درون بنماید.

۵- با توجه به موقعیت ژئوپولیتیکی ایران و اهمیت آن در ژئواستراتژی آمریکا به منظور سهولت جریان انرژی به سمت غرب، تضمین امنیت اسرائیل و حمایت از ثبات و بقای حکومت‌های طرفدار غرب، دولت آمریکا زمینه‌هایی را فراهم آورده تا آمریکا حاکمیت قبلی خود را بر ایران برگردانده و یا حداقل اثرات ایران بر مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی خنثی نماید.

از بین رفتن انسجام ملی، روحیه دفاعی، ایثار و از خودگذشتگی مردم ایران، گسترش اختلاف بین گروه‌های سیاسی داخل ایران و عدم انسجام دستگاه‌های اجرایی کشور در خصوص آمریکا، آمریکا را قادر می‌سازد تا با محاصره سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران از طریق نفوذ در کشورهای همسایه و تخریب چهره ج.ا.ا در سطح بین‌المللی و محروم کردن ایران از دستیابی به منافع مالی و اقتصادی در صدد تضعیف و براندازی ج.ا.ا برآید.

۶- با توجه به برتری تکنولوژی نظامی آمریکا و توانایی اطلاعاتی و جاسوسی وی در سطح وسیع، در صورت مرعوب شدن ج.ا.ا در مقابل توان نظامی آمریکا، منفعل شدن و یا درگیر شدن در رقابت تسلیحاتی و اتخاذ شیوه جنگی بر اساس تکنولوژی و جنگ کلاسیک متقارن با آمریکا شدن، این کشور خواهد توانست در هر درگیری نظامی به پیروزی دست یابد و موجب شکست یا خسارت‌های غیرقابل جبرانی به ایران وارد شود.

۷- دولت آمریکا با اتکا به توانمندی اقتصادی و نظامی خود و نفوذ در سازمان‌های بین‌المللی در صدد پاسخگویی به چالش‌هایی است که از سوی جمهوری اسلامی ایران

مطرح شده است و در این زمینه استراتژی قرنطینه کشورهای سرکش به عنوان یکی از محورهای زیربنایی الگوی رفتار آمریکا علیه ایران محسوب می‌شود تا از رهگذر آن، فرایند بهره‌مندی ایران از فناوری‌های پیشرفته به گونه‌ای کنترل و تهدید شود که هر نوع فرصتی برای تقویت و احیای بنیه استراتژیکی جمهوری اسلامی منتفی شود.

۸- سیطره لابی‌های مخالف ایران بر کنگره و سیاست خارجی آمریکا و گره خوردن منافع ملی آمریکا با بقاء اسرائیل از یک طرف و حمایت ج.ا.ا از حزب‌الله لبنان و جهاد اسلامی فلسطین و مخالفت با روند صلح خاورمیانه و شکست تلاش‌های آمریکا در این زمینه موجب گردیده که در صورت مشاهده هرگونه تردید، ابهام و یا عدم انسجام مسئولین نظام و مردم ایران نسبت به مشروعیت اسرائیل، آمریکا برای پیشبرد روند صلح خاورمیانه و زمینه‌سازی برای پذیرش مشروعیت اسرائیل در بین کشورهای اسلامی نسبت به ضربه زدن به حضور و نفوذ ایران در خاورمیانه و تغییر رفتار ایران نسبت به سازش با اسرائیل به هر طریق سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ممکن اقدام خواهد کرد.

اهداف (پیشنهادی) برای مقابله با تهدیدات :

بر اساس فرآیند تدوین استراتژی در ابتدا اهداف و سیاست‌های مقابله تعیین می‌شود و نسبت به تدوین استراتژی‌ها اقدام می‌گردد. بنابراین اهداف در دو گروه زیر ارائه می‌گردد.

اهداف ویژه (ناشی از اهداف اصلی)	اهداف اصلی
<ul style="list-style-type: none"> - ارتقاء بازدارندگی از حمله احتمالی آمریکا و متحدانش و افزایش میزان آمادگی دفاع همه جانبه. - حداکثر سازی منافع جمهوری اسلامی. - مقابله روانی با بحران آفرینی‌های آمریکا و ایادی آن. - مقابله با غافلگیری ناشی از اقدامات استراتژیک آمریکا. - ارتقاء مقاومت مدنی در قبال بحران‌های داخلی و خارجی. 	<ul style="list-style-type: none"> - حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران. - برقراری عدالت در ابعاد مختلف. - ارتقاء منافع جمهوری اسلامی ایران - حفظ تمامیت ارضی.

سیاست‌های پیشنهادی برای تحقق اهداف مذکور به شرح زیر بیان می‌شود:

سیاست‌های داخلی	سیاست‌های خارجی	سیاست‌های دفاعی امنیتی
<ul style="list-style-type: none"> - مقابله آگاهانه و افزایش مقاومت‌گرایی همه جانبه سیاسی - اتکا به دفاع همه جانبه مردم - اجتناب از غافلگیری - اعتماد سازی در داخل و تأکید بر وفاق گروه‌ها - پیشگیرانه بودن - انسجام بخشی اقدامات - حفظ ثبات روانی جامعه - تقویت حقیقت سلطه ناپذیری - تأکید بر هویت ترکیبی اسلامی ملی. 	<ul style="list-style-type: none"> - تشنج زدایی - گفتگو به جای توسل به زور - اعتماد سازی خارجی - فعال‌سازی فعالیت‌های دیپلماتیک - تعامل مثبت با جهانیان - توجه به افکار عمومی جهان - تأکید بر مردم سالاری دینی 	<ul style="list-style-type: none"> - خوداتکایی - نظم بخشی و امنیت سازی - بازدارندگی پیش‌دستانه - بهره‌گیری از الگوهای جنگ نامتقارن - عدم توسل به قدرت نظامی صرف - ابتناء به دکترین تلفیقی (آفندی - پدافندی) - توسل به شیوه‌های دوران دفاع مقدس

برای رسیدن به اهداف از بستر سیاست‌های فوق راهبردها در سطوح زیر ارائه می‌شود:

در سطح نظام بین‌الملل	در حوزه منطقه	در حوزه داخل آمریکا	در سطح حوزه ملی ایران
۱- ایجاد مدیریت مکعب بحران برای جلوگیری از تشدید بحران‌ها	۱- حساس کردن مردم منطقه به اهداف منطقه‌ای آمریکا	۱- نفوذ از طریق لابی‌های ایرانی در آمریکا	۱- آگاه سازی و اعتماد سازی روانی برای جلوگیری از جداسازی مردم از حکومت دین
۲- بازی حاصل جمع جبری غیرصفر	۲- تلاش در ایجاد فاصله بین آمریکا و کشورهای منطقه	۲- آگاه سازی افکار عمومی مردم آمریکا به حقایق ایران	۲- آگاه سازی و اعتماد سازی و محدودسازی برای مقابله با تهدید برهم زدن وحدت وفاق ملی
۳- اقدام در راستای گفتگوی تمدن‌ها	۳- ایجاد	۳- افزایش تعاملات فرهنگی - اجتماعی و تبیین سیاست‌های گفتگوی تمدن‌ها و	۳- آگاه سازی و اعتماد سازی و نهضت خدمات رسانی و پاسخگویی برای
۴- به عمل آوردن در تشنج زدایی و توجیه اهداف آن در همه ابعاد	۴- ساختارهای امنیتی چند جانبه	۴- آگاه سازی افکار	

<p>جلوگیری از ناکار آمد نشان دادن حکومت دینی</p> <p>۴- آگاه سازی - تقویت و تحکیم و تغییر نمادهای تضعیف باورها و اندیشه‌های دینی</p> <p>۵- تغییر تکنولوژی نظامی نیروهای مسلح و افزایش مقاومت مدنی در قبال دشمنان برای مقابله با تهدیدات نظامی و امنیتی</p> <p>۶- ایجاد ساختار عملیات روانی برای دشمن</p> <p>۷- ایجاد آمادگی برای اقدام پیشدستانه قبل از استراتژی پیشگیرانه آمریکا مبتنی بر جنگ نامتقارن</p>	<p>تشنج‌زادی</p> <p>۴- افشاسازی سیاست‌های ظالمانه سیاستمداران آمریکا</p> <p>۵- ایجاد ساختار عملیات روانی برای داخل آمریکا</p> <p>۶- ایجاد ائتلاف رسانه‌ای طرفدار ایران</p>	<p>عمومی منطقه</p> <p>۵- فعال‌سازی سازمان‌های منطقه‌ای</p> <p>۶- ایجاد ساختار عملیات روانی در سطح منطقه</p>	<p>۵- ایجاد اتحاد استراتژیک با برخی کشورها و ایجاد امنیت دسته جمعی</p> <p>۶- تلاش در جهت اعتمادسازی</p> <p>۷- طراحی استراتژی ایجاد ساختار مناسب عملیات روانی تهاجمی در سطح بین‌المللی</p> <p>۸- تغییر در راهبرد سازمان کنفرانس اسلامی به وحدت سیاسی کشورهای اسلامی</p>
--	--	---	--

منابع و مأخذ:

الف - فارسی

- ۱- بولتن‌های نمایندگی دائم جمهوری اسلامی در نیویورک. شماره ۵۱ و شماره ۵۷.
- ۲- ساداتیان، سیدجلال و دیگران، (۱۳۷۹)، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده مدیریت استراتژیک، استراتژی دفاعی، امنیتی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- ۳- سجادی‌پور، سیدمحمد، «نگرش‌های موجود در غرب»، مجله آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۲۷.
- ۴- سیف‌زاده. حسین. (۱۳۳۸)، نظریات مختلف در روابط بین‌الملل، تهران، نشر سفیر.
- ۵- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۷۱)، ژئوپولیتیک، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ۶- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۸۱)، مقدمه طرح تحولات ژئوپولیتیک و امنیت ملی ایران، تهران (غرب‌شناسی).
- ۷- متفکر، حسین، (۱۳۸۳)، «ژئوپولیتیک آمریکا و تحولات آن و امنیت ملی ایران»، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، مدیریت استراتژیک، رساله دکتری.
- ۸- متفکر، حسین، (۱۳۷۹)، در بیکاری و استراتژی‌های بهینه برای رفع آن از دیدگاه امنیت ملی، ج ۶، تهران دانشگاه عالی دفاع ملی.

۹- میرحیدر، دره، (۱۳۵۷)، دوره‌ی اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر

ب- انگلیسی

- 1- Bingham, Catherine, P., CB 65+ Andrew. "Cru. Edu Global Change can be divided in four Categories".
- 2- Dugin, Alexander, "Foundation of Geopolitical" Part: Editorial not. Introduction. Chapter 1.
- 3 - Guttman. j. " The Partitioning Of our World: An attempt Analysis" World Politics, IV, 4, 1952.
- 4- Google: Goopolitics: modern geopolithes :Nicolas spykman revision of mackinder central importance of rimland. Chapter6.pp.216-218.
- 5- Http:// www. E-so cola. Or/ Geopolitical/Extender. Htm/.
- 6- HTTP://WWW. Seab. Com/Community/x c Drive View in cat. Asp2 ID=29-24k
- 7- modern Geopolitics Theories and schools:"geopolitics of yoke Attali" part 2 chapter 3, 3.5.p.89.
- 8- Z.B. Chen Board 1999.
- 9- Marco economic indicators: www.seller.net/hicomind/eco feb4.
- 10- Geo-economic strategy: Google research "Geo-economic": www. World capital forum. Com/ geo.es strata.htm.
- 11- Google. Geopolitic"Instrument % 20de% 20 moderlare%20 .
b.Www. Isn. Etch, ch/isis/ research- studies/bal ken- regional-profile/Balkem.1999-03&04.Htm
- 12- Http: /www.iaed.org/global.strg.htm.taed: global. Economic strategy
- 13- Georg Inger; Mildcpi will txrnery in tone USA today, toure 19, 2000
- 14- a- Www. proc. Gov pk/ news oct. htm: - globalization – geo economics world order. b- Alexander von Humboldt lecture,
- 15_ November, university of . . .
- Www. Kun. NL / socgeo/n/colloquium/ paasi2 PDF.
- a. starfar-putin bringing Russia under control:" Agenda. Stand and intelligence geopolitics- geosecurity- geo-economic flash..." -google research: www. Cpol. Htm.
- b.Mage.geog. McAlester. Educe/ AP geog demo/ clop. Htm/.
- house. Gov [WWW.White-](http://www.whitehouse.gov)
- 16-Http://www.Arctogaia. com/public/geopeng.htm
htm[Http://cbg.uvt.Ro/courses](http://cbg.uvt.ro/courses)
- 17-Toward 2005: the new Geopolitics and geo – economics.
[Www.Robart.Yorkuca/PDF/Perish.PDF](http://www.Robart.Yorkuca/PDF/Perish.PDF).